

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران
روزنامه ایران

اعتراض کارگران مبارز ضد نفت

علیه اقدامات ضد کارگری

رژیم جمهوری اسلامی

و آنگاه طبقه کارگران ایران، وبخش نامهای وزیر جدید نفت (محمد غرضی) در مورد قطع حق کارگزاران و اضافه کاری، لغو تعطیل پنج شنبه ها، تغییر ساعات نوبت کاری در پالایشگاهها و تاسیسات با رگبری، بخش و سایر جاها موج وسیع اعتراضات بحسب کارکنان مبارز صنعت نفت را برانگیخت

با گذشت هر روز برای اقدامات ضد کارگری رژیم جمهوری اسلامی افزوده میشود و ماهیت ضد کارگری و ضد خلقی رژیم برآی شده های وسیع کارگربیش از پیش افشا می گردد. اقدامات ضد کارگری رژیم در هفته های اخیر علیه کارگران انقلابی و رزمندگان صنعت نفت، این گردان پشاهنگ

بقیه در صفحه ۴

نکته از زبانی مجاهد از مسئله جنگ

"سویالیستها همیشه جنگهای بین ملتها را بعنوان وحشیانه و سبانه محکوم کرده اند. با وجود این برخورد نسبت به جنگ با برخورد صلح طلبان بورژوازی (طرفداران و حامیان صلح) و آنارشیستها از اساس فرق میکند. بنا دسته اول در این مورد اختلاف نظر دارند که ما را بطنه اجتناب ناپذیر جنگها و مبارزات طبقاتی را در یک کشور درک می کنیم. ما می فهمیم که جنگها جز با الغاء طبقات و ایجاد سویالیسم از میان نخواهد رفت. ما همچنین با آنها در این امر اختلاف داریم که جنگها بدخلی یعنی جنگها شیراکه طبقه ستمکش علیه طبقه ستمگر، برده ها علیه برده داران و سرفه ها علیه مالکین ارضی و کارگران مزدور علیه بورژوازی برپا می کنند، که ما "بحسب حقوقی و لازم می شماریم. اختلاف ما با رکیبستها با صلح طلبان و آنارشیستها

بقیه در صفحه ۲

درباره تاکتیکهای نوین

باریکا دیندی و قیام مسلحانه، و... پس از قیام بهمن ماه نیز در هر منطقه ای بسته به شرایط اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و تاریخی و سطح رشد مبارزه طبقاتی، اشکال مختلف مبارزات توده ای از جمله مبارزه مسلحانه جریان داشته است. بدون شبهه جمع بندی اشکال گوناگون مبارزات توده ای در اینصورت برای رهبری آتی جنبش توده ای، اهمیت وافر دارد.

در جنبش توده ای ایران در سه سال و نیم اخیر، شاهد بروز متنوع ترین اشکال مبارزاتی توده ها بوده ایم، اشکالی که از حیث تنوع خود شاید بجزرات بتوان گفت کم نظیر بوده است. از نظرات قهر T میز توده ای در قم، تبریز و غیره گرفته تا نظرات میلیونی مسالمت آمیز در توده ها در تهران و سایر شهرستانها، دادن شعارهای علیه رژیم سلطنتی در پشت بام بهنگام برقراری حکومت نظامی، حملات پراکنده و گسترده علیه ارگانهای حکومتی

بقیه در صفحه ۵

درمبارزه چه باید کرد؟

صفحه ۱۰

در این شماره

اخبار کارگری

اخبار کردستان

مردم چه میگویند، ...

پرولتاریا و آزادیهای دموکراتیک

و همنمود به هواداران

بیک انقلاب با شیدو خود را برای "بسرکرد قطعی" آماده کنید، انقلاب دو بساره اوج میگیرد!

آنان را دستگیر و موالشان را بغارت نبرده باشند. همچنین ده ها و صدها زندانی اسیر را زیر شکنجه های قرون وسطایی مجروح نموده و یا به شهادت رسانده اند. پاسداران و دیگر عناصر مسلح مزدور را (با جواز قتل) به خیا با آنها و کارخانجات و مراکز جمعی کارگسبیل داشته، تا حرکات اعتراض آمیز توده ها و مخالفین رژیم را سرکوب و قلع و قمع کنند. بقیه در صفحه ۷

از سی خرداد (که رژیم از قدرت توده ها ترسیده و برای تسلط خویش بر آوضاع، پرده از چهره فریبنده خود کنار زد و آشکارا روی مردم قرا گرفت) تا با امروز، صدها انقلابی جان برکف را بجرم مخالفت با دیکتاتور به جوخه های اعدا سپرده اند و روزی نیست که در تعقیب نیروهای انقلابی و مبارزه ها و صدها خانواده مبارز، منول و اربوش نبرده و عده ای از

مؤگ بر حزب جمهوری اسلامی زنده باد شوراهای انقلابی پیش بسوی تشکیل مجلس مؤسسان

در مبارزه با امپریالیسم

يك ارزیابی مجدد از مسئله جنگ

بهدار صفحه ۱

در این است که ما نیز هم مطالعه هر جنگ از نظر تاریخی (از منظره نظر ما تریالیسم دیا لکتیکی ما رکی) و بطور جدا گانه - اعتقاد داریم در گذشته جنگهای بیشمائی برپا شده اند: جنگهای وحشیانه، بیرحمیها برپا شده اند، و هر چه در مورد هر جنگ است مترقی بوده اند یعنی تا کمک کردن به مومسات ارتجاعی و زبانی آور (مثلاً) یک حکومت مطالعه یا سرور از اوضاعی ترین حکومتها مطالعه در اروپا (حکومت استبداد ترکیه و روسیه) و بعد کمک کردن به جنبش استبداد است که جنبش تاریخی حکم کنونی ناپسند مورد بررسی قرار گرفت. (سوسیالیسم و جنگ)

یکسال تمام ما را از جنگ ارتجاعی دولتهای ایران و عراق گذشت، جنگی که تاکنون هزاران کشته، دهها هزار معلول میلیونها آواره، تنهائی و نا بودی بخش عظیمی از روستاهای ملی، فقر و فلاکت دم - افزون توده ها و بسیاری رنجایع دیگر - برپا آورده است. این جنگ هما تگونه که ما تاکنون به دفعات توضیح داده ایم و تجربیات یکسال گذشته نیز بخوبی اثبات کرده است، بهیچوجه از منافع و خواسته های توده های زحمتکش منشاء - نگرفته و در خدمت منافع توده های مردم نیست بلکه بالعکس این جنگ را طبقات حاکمه دو کشور ایران و عراق و دولتهای آنها برافروخته اند، تنها سرمایه داران این دو کشور و امیرالیسم جها نیست که بجای متعده این جنگ سودبرده و بقیمت نابودی هزاران انسان و خانه - خرابی میلیونها زحمتکش ستم دیده، میلیونها دلار بحیث خودسرا بر کرده اند. این جنگ نتیجه احتساب ناپذیر و ادامه سیاستهای دودولتی است که در کلیت خود از منافع سرمایه داران حمایت کرده و در سیاستهای داخلی خود از نظام مبنی بر ستم و استثمار توده ها بهره و سرکوب جنگ با ساداری می کنند، در یکسال گذشته نیز همانند ما ههای قبل از آن رژیم جمهوری اسلامی سیاستهای ضد خلقی خود را علیه کارگران، دهقانان و اقشار دیگر خلق - ادا مداد، بر استثمار و ستم کارگران و دیگر زحمتکشان افزود. لحظه ای از - سرکوب توده ها، مقابل قهرآمیز - مبارزات آنها و دشمنی کینه توزانه نسبت به سازمانها و گروه های انقلابی دست برداشت، طبیعتی است که یک چنین رژیم سیاسی ضد خلقی، با چنین سیاستهای ارتجاعی، نمی توانست در سیاست خارجی و بشیوه قهرآمیز یعنی جنگ، سیاست دیگری را با خصلت طبقاتی و ما هیت دیگر پیش برد. آنچه را که لنین مکرر بر آن تاکید می کرد و می گفت "سیاستی که یک دولت معین یک طبقه معین در چارچوب آن در دست از مدتتها پیش از جنگ دنبال می کند، قهرا" و ناگزیر به وسیله همان طبقه در طول جنگ ادامه می یابد و فقط شکل عمل تغییر می کند" (جنگ و انقلاب) یکبار دیگر صحت و درستی خود را نشان داد و این مهمترین درسی است که جنبش انقلابی ایران و توده های تحت ستم میهن ما، بتجربه در یکسال گذشته آموختند. زیرا در طول جنگ نه تنها ذره ای در سیاستهای ضد خلقی و ارتجاعی رژیم تغییر صورت نگرفت، بلکه بالعکس سیاستهای رژیم ارتجاعی نیز از گذشته ادامه یافت. رژیم

سیاستهای سرکوبگرانه خود را تشدید نمود. بهیچوجه جنگ مبارزات توده ها را قهرآمیز سرکوب نکرد. هر مدای اعتراضی را در گلو خفه کرد، سرکوب خلقی تحت ستم کرد و شدت بخشید، آزادیهای سیاسی توده ها را بهیچوجه مقتضیات و شرایط زمان جنگ محدود و کم کم بکلی پایمال نمود. سازمانها و گروههای انقلابی و دمکرات را زیر شدیدترین فشارها قرار داد. موج سرکوب، بازداشت و اعدامها را به چندین برابر افزایش داد و این امر نمی توانست در شرایطی که با رستگین هزینه های جنگ نیز بردوش زحمتکشان قرار دارد، به تشدید تضادها و وحدت باسی مبارزات توده ها و از میان رفتن موم بخش عظیمی از توده ها نسبت به حکومت منجر نگردد. از همین روست که در حالیکه در آغاز جنگ و در مدتی کوتاه موج - شونیم توده ها را فرا گرفت و دفاع طلبی بصورت یک مسئله سیاسی روز توده ها درآمد، حتی در میان بخش وسیعی از توده ها این تمایل وجود داشت که - و طلبانه عازم جبهه جنگ شوند و نمونه های متعددی از این موارد در کارخانه ها وجود داشت، اما این موج دیری نپایید و بسیا زودتر از آنچه که تصور می رفت توده ها در سهای لازم آت موخشد و بتجربه دریا فتند که در این جنگ چیزی جز فتنه دم افزون، بیگاری، کمبود ما یحاجا ساسی، افزایش سرسام آور قیمت کالاها، وارگی و خلاصه فشارهای متعدد اقتصادی و سیاسی عاید آنها شده و نخواهد شد، اما در عوض - این سرمایه داران بویژه تجار رفیقت خور با زار و انحصارات جها تی هستند که سودهای چند میلیاری بجهیب میزنند. همچنین این مسئله که ما پیش روشن شد که در این جنگ جنا متکارانه بهمان اندازه که دولت عراق مسئول است، دولت ایران نیز مسئول می باشد و این جنگ بهمان اندازه که از تالیات هژمونی طلبانه و جاه طلبی های سیاسی رژیم عراق ناشی میگردد، از هژمونی طلبی، جاه طلبی های سیاسی و سیاستهای تجار و زکاران - پان اسلامیسم رژیم جمهوری اسلامی نیز منشاء میگردد. از این رو پس از مدتی کوتاه شما یلات صلح طلبی و حالت بی - تفاوتی در میان توده ها گسترش یافت - دقیقاً همین بی تفاوتی و صلح طلبی بمعنای اینست که توده ها آغاز به درک ما هیت ارتجاعی جنگ نمودند. زیرا "تمایل توده ها به طرفداری از صلح اغلب بیانگرا اعتراضی، خشم و درک ما هیت ارتجاعی جنگ می باشد" (سوسیالیسم و جنگ) این امر همچنین درسی بود برای کسانی که بنحوی می گویند سیاست خارجی را از سیاست داخلی منفک کنند و جنگ کنونی را از سوی رژیم جمهوری اسلامی انقلابی و یا تدافعی قلمداد کنند. این جنگ نه تنها بطور عینی در صفا بندی نیروها تغییر بی پدید نیامد، نه تنها تضادهای طبقاتی را بطور عینی تحت الشعاع قرار نداد بلکه بالعکس تضادها مدام به حدت گرا ئید و درگیری و مبارزه را گسترده تر نمود. بیابراین حتی با ارزیابی و جمع بندی تجربیات یکسال گذشته و سیاستهای رژیم طی این مدت کمترین تردیدی در ما هیت ضد انقلابی و ارتجاعی جنگ باقی نمی ماند و تحلیل سازمان را که یکسال پیش با توجه به طبقات درگیر در جنگ، علل و اهداف سیاسی آن و رژیم های سیاسی حاکم بر دو کشور ایران و عراق این جنگ را ضد انقلابی، ارتجاعی و غیر عادلانه ارزیابی نمودن تا شید می کند. اما در این میان لازم است که بر سیاستها و تاکتیکهای سازمان طی این مدت نیز نظری بیان کنیم و با ارزیابی نقاط مثبت و منفی آن بپردازیم. مهمترین مسئله

- ای که در اینجا باید بررسی آن - برداخته شود، تاکتیکها و شعارهای سازمان در این دوران بود. واقعیت اینست که ما علیرغم تحلیل درست از ما هیت جنگ، در اتخاذ برخی تاکتیکها و شعارهای خود با نحرافات دچا رشدیم و این امر برخی مربوط به ارزیابی نادرست ما از وضعیت توده های مناطق جنگ زده و پاره ای دیگر که بنحوی دفاع طلبی از آن می آمد، ناشی از تاثیر گرایشی بود که جنگ را از جانب رژیم جمهوری اسلامی تدا فعی ارزیابی می کرد و این امر به بهترین وجه در پاره ای از رهنمودها و شعارهای سازمان در نخستین هفته های جنگ منعکس گردید. درست است که سازمان شرکت در جنگ دودولت را بر اساس ما هیت ارتجاعی جنگ رد کرد، اما با طرح رهنمودهایی چون "با تشکیل هسته های مسلح بطور مستقل بدفاع مسلحانه از شهرها و مناطق جکرده بچیزید" و "با طرح شعار متناقضی چون "با تمام توان خود ما هیت ارتجاعی جنگ را افشا و با مقاومت مسلحانه خود از منافع زحمتکشان دفاع کنیم" نوعی سردرگمی پدید آورد. نخست اینکه در تجربه دیده شد، که توده ها اساساً "شهرها را تخلیه کردند و بدستهای خود را نسبت به این جنگ بیگانه احساس نمودند و تا "هیچگونه زمینه ای برای شکل و تسلیح مستقل توده های مناطق جنگ زده تحت رهبری سازمانهای انقلابی وجود داشت و سرانجام طرح این شعارها اساساً نادرست بود. زیرا فی المثل طرح این شعار که "با تمام توان خود - ما هیت ارتجاعی جنگ را افشا کنیم" و سپس در کاربن عبارت که "با مقاومت مسلحانه خود از منافع زحمتکشان دفاع کنیم" نه تنها تعاری میهم و متناقض بلکه خود نوعی دفاع طلبی است. اما ریشه این تناقض در تحلیل و تاکتیک و نیز تناقض تاکتیکها و شعارها از کجا منشاء میگرفت. این تناقضات در حقیقت بیان دو گرایش و دو برخورد در درون سازمان است. نسبت به مسئله جنگ بود، یک گرایش جنگ موجود را از هر دو طرف ارتجاعی، ضد انقلابی و غیر عادلانه میدانست و گرایش دیگر تحت عنوان جنگ ارتجاعی تدافعی - شکل پوشیده "دفاع از میهن" را توصیه میکرد. علیرغم اینکه سازمان نخستین تحلیل را پذیرفت، با این وجود گرایش انحرافی تا شیر خود را بر برخی شعارها و تاکتیکهای تدافعی و تجربه نیز نادرستی آنها با ثبات رسید و ما از همان نخستین ما هها مجبور شدیم آنها را عملاً کنار بگذاریم چرا که گذارد. بمنظور آشنا ئی با این نظرا انحرافی لازم است که در اینجا مختصری در باره آن صحبت کنیم. رفقائی که معتقد بودند جنگ از جانب رژیم جمهوری اسلامی ارتجاعی - تدافعی است استدلال می کردند که چون ما رکنس و انگلس در ۱۸۷۰ جنگ میان فرانسه و پروس را جنگی ارتجاعی میدانستند، اما در همان حال بصلت تجا و زفرانسه به آلمان این جنگ را از جانب آلمان - تدافعی میدانستند، ما نیز بجز آلمان - مقابل رژیم عراق که با ایران تجا و ز کرده است، علیرغم اینکه جنگ از هر دو طرف ارتجاعی است، با این وجود دفاع رژیم جمهوری اسلامی را امری با حق و - عادلانه قلمداد کنیم. رفقائی ما بسدون توجه به شرایط تاریخی، بدون توجه به شرایط مشخص کنونی و بدون درک مضمون و معنای واقعی گفتار ما رکنس می گویند آن را بطور مکانیکی در مورد ایران - تطبیق دهند. این رفقائی محتوای این کتیو اصلی پدیده های تاریخی آن دوران و از جمله جنگ ۱۸۷۰ را درک نمی کردند و بقیه رصفحه ۶

فتگران قهرمان زیربار بخشنامه ارتجاعی وزیر جدید نفی نخواهند رفت

فتگران مبارز!

رژیم جنایتکار حاکم همراه با سرکوب نیروهای انقلابی و برپیدن شوراها - واقعی و دستگیری نمایندگان کارگران و زحمتکشان همچنان سیاستهای ضد خلقی و ضد کارگری خود را دنبال کرده و هر روز با وضع کردن قوانین ارتجاعی که تنها به سود سرمایه داران است فشار بیشتری بر ما کارگران وارد کرده و از این طریق دشمنی خود را با زحمتکشان بیش از پیش به نمایش گذاشته است.

رژیم حاکم که با دستهای توانای ما کارگران و دیگر زحمتکشان بناحق به قدرت خریدارها با ابتدای بدست گرفتن قدرت اقدام به با زین گرفتن دستاورد های ما کارگران که طی سالهای مبارزه و رنج و درد بدست آورده بودیم نمود و هم اکنون نیز در دنیا له همان سیاستها اطلاعیه ای صادر نموده و تصمیم بر این دارد که ساعات کار را از ۴ ساعت به ۴۴ ساعت در هفته افزایش داده و همچنین شیفته را به سه بخش کرده و دستور لگن ۱۰٪ کارگاری را صادر نموده است. صدور اینگونه اطلاعیه ها به معنای واقعی کلمه یعنی اعلان جنگ حاکمان بر ما زحمتکشان با جمع می باشد. زیرا در شرایطی که فقر و گرانای و بیکاری بیداد میکند گاهش دستمزدها را پایین آوردن هزینه زندگی روز بروز ادامه زندگی را دشوارتر می سازد.

رژیم ضد خلقی حاکم به خیال خام خود می خواهد در شرایطی که جو خفقان ایجاد کرده است کارگران را اوادار به قبول اینگونه قوانین ضد کارگری کند. اما زهی خیال باطل! فتگران مبارز طی سالها مبارزه نشان داده اند که هیچگاه زیر بار اینگونه قوانین نخواهند رفت و با اتحاد و یکپارگی به مقابله با اینگونه اقدامات برخوانند خواست.

کارگران مبارز! با اتحاد و یکپارگی و با همسان قاطعیتی که رژیم شاه را به زانو در آوریدیم در مقابل اینگونه قوانین ارتجاعی ایستادگی کرده و اجازه ندهیم سرمایه - دارانی که خود را به لباس مستضعفین آراسته اند برای ما تصمیم گیری کنند. بپاخیزیم و با برپائی شوراها انقلابی خود پیروزه حاکمان سرمایه را به خاک مالیم.

مرگ بر حزب جمهوری اسلامی، زنده باد شوراها، انقلابی، پیش بسوی تشکیل مجلس مؤسسان نابود باد امپریالیسم جهانی بسرکردگی امپریالیسم آمریکا و یگانه دخالیش کارگران بی شروپا لایشگاه شیراز ۶۵/۶/۱۷

کارخانه مبارز

رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی کسه روزهای آخر عمر خود را میگذارد و رسد مسی دارد به کمک جاسوسی های انجمنهای اسلامی و از طریق خانه گردی، دستگیری، ترور و شکنجه و کاکم کردن جو خفقان به زندگی ننگین خویش ادا میدهد. جریان زیرکوشه ایست از این تلاشهای بی حاصل: روز سه شنبه ۱۵ شهریور بعد از انفجار ساختمان نخست وزیری، بدنبال تلفن یکی از اعضای انجمن اسلامی کارخانه با بریه کمیته، پاسداران سرمایه به کارخانه مبارز با بیروش میا ورنود خود ۲۷ تن از کارگران و کارمندان را به جرمهای غشی چون تبریک گفتن به دیگر همکاران بعلت کشته شدن رجائی و با هنر اظهار خوشحالی کردن از انفجار، داشتن اعلامیه و اتهام - های نظیر این، دستگیر و به کمیته - تهرانیارس و سپس کمیته هفت حوض نارمک برده می شوند. پاسداران قتل از دستگیری کمدهای کارگران را میگردند و همچنین به خانه تعدادی از آنان رفته و با زورسی به عمل می آورند.

دربارهٔ تاکتیکهای نوین

نویسنده

بقیه از صفحه ۵
بکار گرفته شده است. نشانها گرایش مثبت این سازمان در جهت بکار گرفتن تاکتیکهای نوین است که هدفش بسیج توده ها است. این تظاهرات موضعی که در مناطق مختلف تهران در مدت زمان محدودی صورت گرفت کام بسیار مثبتی با ایدم محسوب شود. این تظاهرات موضعی که بصورت اجتماع ۱۱۰۰ الی ۲۰۰ نفر با محافظت مسلحانه و دادن شعار و پرزاکنده شدن سریع انجام شد، توانست در همان مناطقی توجه و حمایت ضمنی توده ها را جلب نماید. هر چند هنوز نمونه های زیادی از بیوستن توده ها به این تظاهرات را در دست نیستند اما رژیم و ارتعاده دستگیریه و تلفات نیز هنوز ما در قبلی داده نشده است، ولی می توان با بررسی منطقه عمل، جمع سریع و دادن شعار، کاهش زمان تظاهرات و خارج شدن از منطقه با برتنامه قبلی و شناسائی کامل میزان دستگیریه را به حداقل کاهش داد. تجربه سایر جنبشها و تجربه جنبش خودمان نشان داده است که در شرایطی که ترور و اختناق حاکم می باشد و زمینه حرکت های توده ای وسیع هنوز فراهم نشده است، تظاهرات موضعی، هم از برد توده ای نسبتاً خوبی برخوردار می باشد و هم اینکه میزان دستگیریه ها و تلفات را حداقل ممکن تقلیل می دهد. در شرایط کنونی که ترس ناشی از جو سرکوب و ارباب بر توده ها مسئولی شده و جنبش دچار کودموقت شده است، بیوستن توده ها به این تظاهرات و عدم حمایت فعال آنها، بخصوص زمانیکه تظاهرات موضعی به درگیریهای مسلحانه کشیده میشود، امری طبیعی است و نمیتوان انتظار داشت که توده ها بیگانه به بیخیزند و در یک سکون موقتی به مبارزات وسیع و گسترده دست بزنند. بلکه توده ها بتدریج به مبارزه

بعد از ورود کارگران به کمیته ها، پاسداران این جلادان خلق زحمتکش به یکی از شیوه های مرسوم خود به منظور ترساندن و مرعوب کردن کارگران دست میزنند. بدینصورت که کارگران را چشم بسته به کناره دیوار می نشاندند و گلنگدن می کنند که قصد دارند تیراندازی کنند. بعد از این اقدام کثیف و ضد بشری، پس از کلی با زجونی سؤال پیچ کردن، از کارگران میخواهند که نقش جاسوس را در کارخانه ایفا کنند و در شناسائی کسم کاران و به اصطلاح ضد انقلابیون به آنان باری رسانند و سپس با قیدضمانت (سندخانه) تا ساعت ۱۱ نیمه شب به ترتیب آزاد میشوند. دوستان کارگرایان باید بدانند که تا متحد و یکپارچه به مقابله با این اقدامات برنخیزند، موج خانه گردی، دستگیری، شکنجه و اعدام همکاران و فرزندان و بیا حتی خودتان ادا نخواهد یافت و تنها و تنها اتحاد و قدرت یکپارچه کارگران سرمایه منان با رای مقابله با این بیورش وحشیانه را خواهد داشت.

و به جنبش کشیده میشوند. همراه با تعمیق بحران اقتصادی و سیاسی و تشدید تناقضات اجتماعی، انرژی بیکران توده ها در اشکال گوناگون مبارزه توده ای جریان خواهد یافت و بنا گزیر بی طور جبری از مراحل گوناگون رشد و گسترش برخوردارند. و نمیتوان از مراحل ضروری رشد و تکامل جنبش توده ای اجید. اینکه هم اکنون نمیتوان یک اعتراض گسترده توده ای را سازمان داد دنیا بد موجب بی توجهی نیروهای انقلابی در جهت سازماندهی مبارزات پرآکنده و محدود توده ای گردد. هم اکنون بعلت گسرت شدید ناراضی توده ها، در کارخانجات، ادارات، در روستاها، محلات، مناطق مختلف و غیره ... نطفه های اعتراضی شکل میگیرد، ما باید در جهت سازماندهی این اعتراضات توده ای انرژی خود را متمرکز سازیم، این اعتراضات را گسترش دهیم و در جهت پیوند دادن این اعتراضات بیکدیگر و ایجاد جنبش بهم پیوسته توده ای تلاش کنیم و اخبار مبارزات و مقامتهای توده ای را در سطحی گسترده در میان مردم تبلیغ نمائیم. هم اینک اخبار مبارزات توده ای در محدوده بسیار رتنگی بخش میشود و نیاز به تبلیغ وسیع مبارزات توده ای کاملاً محسوس است و کم کاری نیروهای انقلابی در این زمینه کاملاً چشم میخورد. باید از هر طریق ممکن، رادیو، اعلامیه، نشریه، تراکت، تبلیغ شفاهی و غیره ... اخبار مبارزات توده ها را به میان مردم برد. شورمبارزه را در توده ها دامن زد. باید در هر محل و مکانی به سازماندهی جنبش اعتراضات توده ای اقدام کرد و تشکل های لازم را برای این مقصود بوجود آورد. بخصوص رفقای کارگر پیشرو و وظیفه سنگینی در قبال رهبری سازماندهی اعضا با اقتصاد و سیاسی کارگران برعهده دارند و باید از طریق تشکل کمیته های مخفی اعتبار با کارگران مورد اعتماد، ایجاد صندوق اعتبار و غیره در جهت گسترده تر و متشکل تر کردن مبارزات کارگران کام بردارند.

افزایش دستمزدها، قطع اضافه کاری، استخدام بیکاران

اعتراض کارگران...

نقیه از صفحه ۱

عرضی در تاریخ ۶۰/۶/۸ طی بخشنامه ای اعلام کرد که باید در اسرع وقت و حداکثر ظرف دو هفته برنامه های نوبت کاری در پالایشگاهها، تأسیسات بارگیری، بخش وسایل کارگاهها، مشابه به صورت سه نوبت ۸ ساعته در هر بستی و چهار ساعت تنظیم گردد. "اجرای این دستورالعمل از تاریخ ۶۰/۶/۲۳ توسط رئیس پالایشگاه تهران بمورد اجرا درآمد و در پالایشگاههای شیراز، اصفهان و تبریز هم بخشنامه های مربوط به اجرای آن ابلاغ شد.

غرضی همراه با این اقدام دوکده طبعاً نمی توانست مورد استقبال کارکنان باشد (زیرا آنها مدت زیادی بخاطر جلوگیری از تغییر ساعات نوبت کاری مبارزه موفقیت آمیزی را از سر گذرانده اند) دستورالعملی که کارگاہی و اضافه کاری نیز قطع شده و تعطیل پنجشنبه ها نیز لغو گردد.

بدین ترتیب بود که وزیر جدید نفت کارکنان مبارزین صنعت را به مبارزه دعوت کرد و هم اکنون با تصمیم بر قطع سایر حقوق و مزایای کارکنان دلیبر صنعت نفت همچنان سرخستانه بر موضع ارتجاعی و ضدکاری خود ایستاده است.

کارگران صنعت نفت نیز در برابر ایران به این اقدامات ضد انقلابی و ضدکاری پاسخ داده و بلافاصله موجی از اعتراض ساز پالایشگاه و سایر قسمت ها را در بر گرفت. اقدام مستقل کارگران پالایشگاه تهران بخاطر اجرای طمس نوبت کاری بشکل سابق و نه مطابق دستور و برچید و اقدامات مشابهی که در سایر پالایشگاهها صورت گرفته است نشان داد که استناد را سابق خورستان، گردستان، گنبد و... به سادگی و با دو بخشنامه نمی توان حقوق کارگاہی را که تقسیر بر جسته خود را در انقلاب بخوبی دریافته و آنرا یکبار در دوران رژیم منگور و سرسپرده شاه به نمایش گذاشته بدینا دگی از چنگ آنها بر باید، هر چند که اوسا لاش همین باشد و پشتوانه اش هم بیدادگاہها و نیروهای سرکوبگر ضد انقلاب، اما این باارو با کارگاہی روبروست که حرکت وزین و پرملاطت آنها نه تنها موانعی همچون غرضی را به هیچ میگرد بلکه طومار تنگین و سیاه عالمی سرسپرده همچون شاه خاشن را نیز در هم پیچید. و با یک اعتصاب سرسری و قهرمانانه تا فسرار

شاه نقطه پایان مطلوبی بر اعتمایات و تظاهرات خیابانی میلیونی مردم نگذاشتند. از اینروست که کارگران در مبارزه خود بخاطر حفظ دست آوردهای قیام و آنچه که نتیجه مبارزاتشان در طول سالهاست به غرضی هشداد میدهند و آرام آرام به احوالی میکنند که اونا توانستند از آن است که بتوانند در برابر برادره آهنین کارگران مقاومت کنند.

دریک نامه دو صفحه ای که با امضای نمایندگان خطوط لوله کوهده شست، سندیکای منطقه زنجان، سندیکای شرکت ملی گاز شوری کارکنان خطوط لوله و مخابرات اراک، سندیکای مستقل کارگران بخش تهران، نمایندگان اصفهان و بخش های دیگر رسیده است کارگران می نویسند:

"آقای غرضی، انتظار ما نمایندگان واقعی کارگران آن بود که پس از منصوب شدن به سمت وزارت نفت در اولین فرصت نمایندگان کارگران را دعوت و بحضور بپذیرید و از مشکلات و مسائل کارگران با اطلاع شوید، ولی متأسفانه تا ما مدیم خبر شویم که شما به وزارت منصوب شده اید و... بخشنامه ای از طرف شما صادر شده که فوق العاده کارگاہی قطع شود، از طرفی اضافه کاری را نیز ممنوع اعلام کردید و منظور گردان ما که بحضرتان رسیده اند میگوید، در فکر قطع مزایای دیگری از کارگران نیز هستید، مادر - و هله اول توجه شما را با این مسئله جلب میکنیم که کارگاہی که انجام داده اید خلاف قوانین کار و مصوبات وزارت کار است.

آنها در ادامه ما به خود ممن اعتراض به لغو تعطیل پنجشنبه ها می نویسند: "انتظار یکایک کارگران از دولت است انقلابی (۱) این است که پس از انقلاب قوانینی بتصویب برسد که امکانات و رفاه بیشتری برای کارگران در نظر گرفته شود نه اینکه مزدومزایی را هم که در زمان رژیم منجوس و استبدادی و استعماری گذشته ما کارگران با مبارزه بی امان خود و زجر شکنجه فراوان و از دست دادن زندگی و زندانی شدن و تبعید شدن کارگران بدست آورده ایم شما با یک بخشنامه آنرا از ما بگیریید. آنهارد پایان ضمن طرح یکسری خواسته های خود خواسته اند که طبق قانون کار پیمان دسته جمعی منعقد گردد.

همینطور کارکنان آزمایشگاه، کارکنان عملیات روغن سازی پالایشگاه تهران، کارکنان آب و بخار و برق جنوبی و شمالی مخازن پالایشگاه، کنترل ۲ شمالی و جنوبی، کنترل ۱ شمالی و جنوبی و

کارکنان تصفیه آب پالایشگاه تهران - ضمن نامه ای برای غرضی وزیر نفتست یادآور شده اند که بخشنامه های صادر شده در رابطه با نوبت کاری در پالایشگاهها "بجز تضعیف روحیه و دل سردی نسبت به جریان امور شرم دیگری نداشته است." آنها دلایل خود را در ۱۱ مورد برای اثبات عدم کارایی طرح جدید وزیر تازه از راه رسیده اعلام داشته اند.

آنچه امروز در صنعت نفت میگذرد - نمونه بارزی از اقدامات ضد کارگری و ضد انقلابی رژیم حاکم که در عین فشار گران و تورم، حقوق کارگران را مرتب کاهش میدهد، شرایط سخت کار را سخت تر میکند، ساعات استراحت آنها را کم میکند تعطیل پنجشنبه ها را لغو می کند و در عین تشدید بیکاری کارکنان صنعت نفت را در سخنرانی های خود تهدید به اخراج می کند، اما بییقین میتوان گفت که کارکنان مبارز صنعت نفت با اتحاد، همبستگی و یاری که تاکنون مکرر نمونه های آنرا نشان داده اند، اجازه نخواهند داد که این رژیم ضدکاری دست آوردهای مبارزات چندین ساله آنها را با زپس گیرد. امروز غرضی بعنوان -

شما آینده رژیم در حالی که روز در روزی کارگران قرار گرفته است در یکسو و کارگران مبارز صنعت نفت که هر روز - متأسفانه و آینه و زندگیشان تهدید میشود در سویی دیگر قرار گرفته اند. این مبارزه بدرستی مبارزه ای میان انقلاب و ضد انقلاب محسوب می شود. در این مبارزه بی تردید پیروزی از آن کارگران و جبهه انقلاب خواهد بود. در این مسئله کمترین تردیدی نیست که کارگران این صنعت با توجه به تعارب مبارزاتی گذشته خود، بویژه نیاز به تشکیل، هم آهنگی و یکپارچگی هر چه بیشتر، پیروزمندان این مبارزه را پیش خواهند برد، بدین منظور ضروریست که در جهت وحدت، تشکیل و یکپارچگی هر چه بیشتر، از طرح خواسته های پراکنده و متفاوت پرهیز شود و اساساً "برخواست های عمومی و همگانی تاکید شود.

خواست تعطیل پنجشنبه ها، برداخت حق کارگاہی و نوبت کاری ۱۲ ساعته خواسته های است که هم اکنون در اسرار صنعت نفت نیروهای زیبا دی را حول خود بحرکت درآورده است. تا کید بر این سه مورد در حال حاضر میتوانند مبارزات کارگران را در این صنعت متحد، متشکل و یکپارچه سازد و مبارزات آنها را به نتیجه برساند، در عین حال که به تجربه در این مدت نزدیک به سه سال پس از قیام - اشیا رسیده است که مبارزه در راه - دستیابی به حقوق کارگران از طریق اقدام مستقیم آنها عملی بوده است. از این طریق بود که اقدام کارگران برای عدم اجرای دستور وزیر سابق نفت جهت حاضر شدن سرکار در روزهای پنجشنبه، به تصویب شورای انقلاب رسید. وقتی همه کارگران بدون توجه به بخشنامه های شاهانه پنجشنبه ها سرکار حاضر نشدند آنگاه تعطیلی شکل قانونی گرفت. همینطور زمانی که طرح نوبت کاری ۸ ساعته از جانب کارگران رعایت نشد طرح ۱۲ ساعته تثبیت شد، امروز نیز بهترین مومثرترین شیوه مبارزه همین اقدام مستقیم خود کارگران است. با مید پیروزی برای کارگران دلیرو مبارز صنعت نفت.

دختر پالایشگاهها، مبارزه با حق جمعگانه

پس از آنکه در این شماره ما در مورد نوبت کاری و حقوق کارکنان پالایشگاهها و سایر صنایع نفتی و گاز، مطالبی را در اختیار شما قرار دادیم، در این شماره نیز به موضوعی که در میان کارکنان پالایشگاهها و سایر صنایع نفتی و گاز، بسیار حساس و مهم است، یعنی حقوق زنان کارکنان این صنایع، پرداخته ایم. در این شماره ما به شما اطلاع میدهم که در این صنایع، زنان کارکنان، علاوه بر حقوق کارکنان، حقوق خاص خود را نیز دارند. این حقوق عبارتند از: مرخصی زایمان، مرخصی پرستاری، مرخصی دوران نقاهت و... این حقوق را کارکنان زن پالایشگاهها و سایر صنایع نفتی و گاز، باید بدانند و از آنها استفاده کنند. در این شماره ما به شما اطلاع میدهم که در این صنایع، زنان کارکنان، علاوه بر حقوق کارکنان، حقوق خاص خود را نیز دارند. این حقوق عبارتند از: مرخصی زایمان، مرخصی پرستاری، مرخصی دوران نقاهت و... این حقوق را کارکنان زن پالایشگاهها و سایر صنایع نفتی و گاز، باید بدانند و از آنها استفاده کنند.

دو روز تعطیل، ۴۰ ساعت کار در هفته، حق مسلم کارگران است

درباره تاکتیکهای نوین

بقیه از صفحه ۱

مدت دو ماهه و نیمه این اندیشه را ممکن است تقویت کرده باشد. اما هرگاه دید محدود و احساسات لحظه را یکنواختیها و تجربه جنبشهای انقلابی در دیگر ممالک و تجربه جنبش توده‌ای در سه سال و نیم اخیر نظری بیافکنیم بی پایه بودن چنین برهانی را بسادگی درخواهیم یافت. در گذشته نیز برخیها تصور می‌کردند که دیکتاتورهای خشن و سرکوب وحشیانه رژیم شاه، اجازه رشد و گسترش و جریانی یافتن مبارزات - گسترده توده‌ای را نخواهد داد، و فریبک بیژن جزئی در آن شرایط بدرستی در - برای این قبیل استدلالهای چهره‌آینه و غلط نوشت:

"بحران اقتصادی و سیاسی، تشدید تضادهای درونی طبقات حاکم، ضعف دولت در اعمال حاکمیت خود و اداره و کنترل سیستم در صف مردم ناراضی شدید که ادامه وضع موجود و تجلی ستم طبقه حاکم رژیم را غیرممکن می‌سازد و توده‌ها را به حرکاتی بیسابقه و تاریخی که در شرایط عادی از آن اجتناب می‌ورزند میکشاند. در چنین موقعیتی اگر حتی شرایط ذهنی یعنی سازمانها و عوامل آگاه سازنده و اجراکننده آماده نباشند و جنبشهای خود - انگیزه نتوانند به یکپارچگی، وسعت و هماهنگی و با اواخر جهت، هدف و مضمونی انقلابی درنا بود ساختن دشمن دست یابند رژیمها، هر قدر مستعد باشند نمی‌توانند مانع ظهور این جنبشها شوند. اگر دیکتاتور رژیم ما نندگذاشته مطلق شود و توده‌ها بدون هیچ سازمان شایسته رهبری کننده نمانند و در یک کلام اگر شرایط ذهنی نتواند شروع در شرایط عینی بگذارد، در این صورت تضادهای اجتماعی به رشد پنهان خود ادامه میدهند و در یک موقعیت بحرانی، هنگامیکه دیگر چنان مردم به لبشانی رسیده، هنگامیکه ستم و استعمار غیرقابل تحمل شد، هر قدر دیکتاتور خشن باشد، بحران ظهور خواهد کرد و شورشی گویا نیمه آگاهانه جا معرا در بر میگردد. و همانگونه که شاهدان بودند، بدینم که چگونه این پیش - بینیها درست از آب درآمد و علی‌رغم اختناق و سرکوب موج مبارزات توده‌ای و تظاهرات میلیونی بوقوع پیوست. با یی در نظر داشت که در دورانی که رفیق بیژن جزئی این جملات را نوشت دوران رگود سیاسی بود و ما امروز در یک دوران انقلابی بسزما هستیم. از سوی دیگر نباید انتظار داشت که جنبش درستی و عینیتها به همان اشکال سابق خود رشد و گسترش و تکامل یابد و بطور قطع یقیناً زیر شکنجه‌های خاص برخورد خواهد شد. ممکن است ما چون گذشته شاهد تظاهرات چند میلیونی مسالمت آمیز توده‌ها نباشیم ولی مسلماً در نتیجه عملکرد تضادهای اجتماعی و بحران اقتصادی و سیاسی موجود، باید انتظار بروز و گسترش حرکات توده‌ای در اشکال ویژه‌تری که از پیش بطور کاملاً مشخص میتوان آنرا تعیین نمود، باشیم. و در جهت تسریع آن گام برداریم. بدون گسترش حرکات توده‌ای و بدون شرکت مستقیم توده‌ها در مبارزه، جنبش انقلابی فاقد نیرو و توان حیاتی بخش خود خواهد بود. بهر رو، امروز شما اندازهای کاملاً مثبتی در تاکتیکهای مجاهدین نمودار گشته است.

تاکتیکهای اخیر تظاهرات موضوعی مجاهدین که از نیمه شهریور ماه بدینسو تهیه در صفحه ۳

این عملیات نظامی در جهت راهگشایی جنبش توده‌ای است. بنابراین سازماندهی مبارزات و اعتراضات توده‌ای، اعتمادات و تظاهرات..... و خلاصه تمام اشکال که بتواند توده‌ها را در مبارزه علیه رژیم حاکم بسیج کرده و سطح مبارزه آنها را ارتقا دهد، همچنان اساسی ترین وظیفه ما است. و عملیات رزمی صرفاً "یک تاکتیک فرعی محسوب می‌شود. اما عملیات مسلحانه - ای که از سوی سازمان مجاهدین خلق طی سه ماه گذشته صورت گرفت و تا حد مطلق کرد تاکتیک نظامی پیش رفت، این سؤال را پیش آورده بود که آیا مجاهدین خلق میخواهند جای خالی عدم حضور فعال توده‌ها را از صحنه، با حضور فعال خود در صحنه، آنهم بشکل مطلق کردن عملیات مسلحانه پر کنند؟ آیا اینکه با این عملیات رژیم را سرنگون سازند؟ مسلماً "هیچ دگرگونی اساسی و انقلابی بدون شرکت واقعی و فعال توده‌ها بوقوع نخواهد پیوست و بدون تکیه اساسی بر توده‌های وسیع زحمتکشان، رژیم بشیوه‌ای انقلابی سرنگون نخواهد شد. نیروی محدود - بیساختار و غیرمستعد اندکایگزین نیروی لایزال توده‌ها گردد. بدون شرکت وسیع توده‌ها، انقلابی رخ نمی‌دهد، تعویض یک قدرت حکومتی با قدرت حکومتی جدید بدون شرکت وسیع، توده‌ها، تنها از طریق یک کودتا و یا تکیه بر نیروهای مسلح موجود میتوانند صورت بگیرد، که هیچگاه نمیتوانند جایگزین انقلاب گردد. و تاکتیک‌های که بسیج و متشکل کردن - توده‌ها را هدف بلاواسطه خود قرار دهند در حد تاکتیک‌های کودتاگرانه و از "بالا" باقی خواهد ماند. و مسلماً "نیروهای انقلابی" می‌باید نیروی خود را در جهت تحقق انقلاب متمرکز کنند. توان و قدرت انقلابیون در اینست که از منافع توده‌ها حرکت می‌کنند و تنها با بسیج وسیعترین توده‌ها بدل به نیروی شکستناپذیر خواهند شد. و تنها با نیرو و انرژی لایزال توده‌هاست که دگرگونی - های انقلابی صورت واقعتاً بخود خواهد گرفت و از همین روست که انقلابیون باید تاکتیک‌های را اتخاذ کنند که دامای ظرفیت بسیج توده‌ای باشد. اما در طول دو ماه و نیم گذشته تاکتیکهای مسلحانه، بمنابۀ تاکتیک عمده و تاحدی مطلق از سوی سازمان مجاهدین خلق ایران بکار گرفته شد. - حرکت‌های توده‌ای و کوشش برای یافتن راه‌هایی که بتواند توده‌ها را به عرصه مبارزه کشانده و خشم و نفرت عظیم توده‌ها را در حرکات اعتراضی شان متجلی سازد بی توجهی کامل این سازمان - مواج بوده است. شاید برخیها این گمان بوجود آمده باشد که سرکوب خونین و تهاجمی بر گروه‌های اعتراضی از سوی رژیم، امکان بروز اعتراضات اقتصادی و سیاسی، تظاهرات و حرکات وسیع توده‌ای را غیر ممکن ساخته است و نباید انرژی خود را در این جهت متمرکز کنیم. فقدان حرکت - های وسیع توده‌ای قابل لمس در این

تجربه جنبش توده‌ای در این مدت و نیز تجربه تمامی جنبشهای انقلابی در سراسر جهان، این حقیقت مسلم را بشبوت رسانده که اشکال مبارزاتی توده‌ها تابع اراده این یا آن فرد یا سازمان نبوده و از - فانونمندی‌های معینی تبعیت نمی‌نماید. توده‌ها در پروسه رویدادهای واقعی اجتماعی بدون جنبش کساننده میشوند. و نمیتوان بطور مصنوعی و بزور شکلی از مبارزه را بر آن تحمیل کرد. تنها احاطه کامل بر قانونمندی‌های عینی مبارزه طبقاتی و بررسی روند عینی مبارزات توده‌ها و سیر رشد و تکامل آن، میتوان اندما را در رهبری آگاهانه مبارزه طبقاتی و متشکل کردن اشکال مختلف مبارزاتی - توده‌ای و آگاهی بخشیدن به این مبارزات و ارتقاء سطح شکل، گسترش و تعمیق مبارزه طبقاتی یاری رساند. کوشش برای تحمیل شکل مشخصی از مبارزه بدون توجه به روند عینی مبارزات توده‌ها و مسیر تکامل آن، پدیده‌ای آوانگاریستی بوده و پیشرو را به جدائی از توده‌های وسیع سوق میدهد. این مسئله بخصوص امروز که پس از ۳۰م خرداد، یورش همه جانبه رژیم برای سرکوب سازمانهای انقلابی و جنبش توده‌ای ابعاد بینا بقیه‌ای بخود گرفته و منجر به افتی موقتی در مبارزات آشکار توده‌ها گشته، از اهمیت بسیار زیادی برخوردار می‌باشد. ضرورت اختناق و سرکوب لحام گسیخته و دیوانه و ار رژیم جمهوری اسلامی و مرعوب شدن توده‌ها، زمینه را برای بروز پدیده - های انحرافی آوانگاریستی در برخی از سازمانها پدید آورده است. پس از سرکوب مسلحانه و خونین تظاهرات سازمان مجاهدین خلق در ۳۰ خرداد، - حملات مسلحانه به کمیته‌ها، ترو و بمب گذاری و... در ابعاد وسیعی از سوی برخی سازمانهای انقلابی، بویژه - سازمان مجاهدین خلق صورت گرفت. همانگونه که ما پیش از این در مقاله "سازماندهی جوخه‌های رزمی و عملیات رزمی" بدان اشاره کردیم در شرایط کنونی جامعه ما که حکومت و باندهای سیاه و ایستہ با می‌کوشند با ایجاد جوار غاب و وحشت توده‌ها را مرعوب سازند، یکی از وظایف فوری جوخه‌های رزمی سازمانهای انقلابی، مقابله با باندهای این باندها، حمله به مراکز ستم و سرکوب رژیم می‌باشد و ما توضیح دادیم که این عملیات رزمی نه تنها مبارز بلکه ضروریست. اما در همان حال بر این مسئله تاکید نمودیم که هرگونه مطلق کردن و یا عمده نمودن این تاکتیک کاملاً خطاست و اگر کسانی تصور می‌کنند که با این تاکتیک قادرند رژیم را سرنگون سازند و یا توده‌ها را از این طریق بسه مبارزه مسلحانه بکشانند، همگسی در اشتباه اند. بلکه این عملیات که بسا خلعت آموزش رهبران جنبش توده‌ای در قیام آینده صورت میگردد، هدف فوری

حق تعیین سرنوشت، حق مسلم خلقهاست

يك آرزويي مجدد از مسئله جنب

نسخه از صفحه ۲

بهمان استدلالاتی متوسل میشدند که مدتها پیش توسط پوترسوف و کاتوستسکی مطرح شده بود و اولین در پاسخ آنها می‌گفتند: "تمام وقایع تاریخی که پوترسوف و کاتوستسکی نقل می‌کند دبه دوران اول - تعلق دارند."

محتوای این کتابت و اصولی پدیده‌های تاریخی دوران جنگ نه تنها در سال ۱۸۵۵، ۱۸۵۹، ۱۸۶۴، ۱۸۶۶، ۱۸۷۰... همگی جنبشهای بورژوازی - ملی یا تکانهای "یک جامعه بورژوازی بودند که خود را از قید هر نوع فتوای لیسم نجات میداند. در آن زمان نوع امکان حرکتات حقیقتاً مستقل توسط دمکراسی امروزی در بسیاری از کشورهای مقدم وجود نداشت... بورژوازی در آن زمان بخاطر سرکشی در جنگها طبقه اصلی روبرو نبود. تنها او میتوانست با نیروی شکننده‌ای در مقابل سازمانهای مطلقه علم گردد. این بورژوازی که از طرف اقلتار مختلف صاحب ثروت تولیدکننده کالانماینده می‌شد، بدرجات مختلف در کشورهای گوناگون مترقی بود. بعضی اوقات (بمانند بخشی از بورژوازی ایتالیا در ۱۸۸۹) حتی انقلابی نیز نبود. ویژگی عمومی دوران مترقی بودن بورژوازی یعنی مبارزه حل نشده و ناتمامش برضد فتوای لیسم بود. در آن زمان بسیار طبیعی بود که راهنمای عناصر دمکراسی امروزی و مارکس بعنوان نماینده آنها، اصل غیرقابل تردید پیشینانی برای بورژوازی مترقی (یعنی آن که قادر به مبارزه است) برضد فتوای لیسم باشد و طبیعی است که مساله "پیروزی - کدآم طرفی یعنی کدآم بورژوازی دلخواهتر است مسئله آنها باشد... (بزیبر - برجمی دروغین) این رفقا نیز می‌گویندند با استنادنا درست به نوشته‌های مارکس دفاع طلبی خود را توجیه کنند. زیرا در - این مسئله کمترین تردیدی نیست که در عصر تاریخی کنونی بورژوازی هیچگونه رسالت انقلابی و مترقی ندارد، سوائی این مسئله بطور مشخص نیز بورژوازی حاکم برای ایران نیز از هرگونه رسالت انقلابی و مترقی تهی است. پیروزی رژیم سیاسی حاکم نه میتوانیم منجر به درهم شکستن مناسبات کهنه موجود، کسب استقلال، رشد جنبشهای انقلابی و مترقی شود، و نه میتوانیم نفع ملت‌های ایران و جهان - باشد. بلکه بالعکس همانگونه که امروزه شاهدیم، بورژوازی حاکم، آنچنانسان سیاستهای ارتجاعی را پیش گرفته است که حتی از پاره‌ای جهات می‌کوشد جامعه را بسوی موهنات فرتوت قرون وسطائی سوق دهد، و آنچنان که در افغانستان لبنان می‌بینیم جنبشهای ارتجاعی را تقویت میکند. هر دو رژیم حاکم عراق و ایران بیکیان ارتجاعی و ضد انقلابی اند، موضع پرولتاریا انقلابی - در هر دو کشور سرنگونی رژیم‌های حاکم است نه پیشینانی از این یا آن بورژوازی در حالیکه در آلمان ۱۸۷۰ وضع بگونه‌ای دیگر بود.

"جنگ ۷۱- ۱۸۷۰ تا زمانیکه بنا به لئون سوم شکست خورد، از جانب آلمان از نظر تاریخی جنگ مترقی بود. بنا به لئون و همچنین ترا رساله‌های آلمان را مورد ستیم قرار داده و آنرا در تفرقه فتوای لیسی نگا هداشته بودند. اما همینکه جنگ تساجا و زبه فرانسه گسترش یافت (الحاق آلمان و لرن) مارکس و انگلس پیشرفت آلمان را محکوم ساختند... (سوسیالیسم و جنگ)

بهر روگرچه تحلیلی که جنگ را ارتجاعی - تدافعی میدانست از سوی سازمان رده شد، با این وجود تا شیر خود را برپاره‌ای از سیاستهای سازمان بجای گذاشت و علیرغم اینکه از همان روزهای نخستین آغاز جنگ، مجبور شدیم که بتاکنیکهای دیگر متوسل شویم، با این وجود لازم میدادیم بخاطر طرح یک چنین شعارهایی از خود انتقاد کنیم. با اعتقاد ما یگانگ سیاست درست و انقلابی تحریم جنگ بهتر شکل آن، تلاش در جهت آفش ماهیت آن، و کار وسیع تبلیغی و تهیه‌چی علیه جنگ در میان توده‌های مردم و نیروهای ارتشی بود. در همان حال ما همچنان برایین اعتقاد هستیم که در آن شرایط با توجه با اینکه هنوز اکثریت توده‌های مردم نسبت به حاکمیت متوهم بودند و هنوز ما هیت جنگ را درک نکرده بودیم طرح - شعار تبدیل جنگ به یک جنگ داخلی بصورت یک شعار تبلیغی روزانه ضروری نادرست و زیان آور بود. اما امروز شرایط با آن مرحله از تکامل خود رسیده است که در همان حال که با بدترین آوارگان و توده‌های مردم مناطق جنگزده تبلیغات وسیعی را علیه جنگ و متشکل کردن آنها حول میرترین خواستهایشان پیش ببریم و در جبهه‌های جنگ نیز با - افساء ماهیت ارتجاعی جنگ، سربازان و توده‌های ارتشی را بمخالفت با ادامه جنگ برانگیزیم، یکی از شعارهای اساسی خود را این مسئله قرار دهیم که بدون سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی برقراری صلح و راهش از جنگ و فلاکت موجب شود امکان پذیر نیست.

سوائی مسائلی که ذکر شد ما در پیش - بینی‌های خود در مورد اثرات جنگ و آینده آن در یک مورد جایز ارزیابی نادرست شدیم. در سرمقاله کار ۷۹ نوشتیم "اگر چه نمیتوان سر نوشت جنگ، کوتاه مدت و یا در آمدت بودن آن را از هم اکنون بطور - قطع تعیین کرد، اما بنا لائل متعدد از جمله عوامل درونی و بیرونی، وضعیت اقتصادی - اجتماعی دو کشور، وضعیت نظامی - سیاسی، نقش توده‌ها و سیاستهای - امپریالیسم جنگ از یاد جنگی کوتاه مدت خواهد بود" تکیه ما اساساً بر وضعیت اقتصادی - اجتماعی و سیاسی دو کشور قرار داشت و اعتقاد داشتیم که این جنگ نمیتواند چندا کثرا از چند ماه تجاوز کند. گر چه این جنگ پس از هفته‌های نخستین بصورت یک جنگ فرسایشی مرزی درآمد، اما با این وجود اکنون حدود یکسال

است که ادامه دارد. دلائل این امر را - با بدر موقیعت سیاسی رژیم جمهوری اسلامی و اهدافی را که این رژیم دنبال می‌کند جستجو کرد. رژیم جمهوری اسلامی از این جنگ و ادامه آن به عنوان وسیله‌ای برای خفه کردن مبارزات و اعتراضات مردم استفاده می‌کند. این رژیم در شرایطی که قدرتیست به نیا زهای توده‌های مردم پاسخ دهد از ادامه جنگ بعنوان وسیله‌ای برای سرکوب مبارزات مردم سود می‌برد. تا نیا "جنبش حاکم یعنی حزب جمهوری اسلامی تا مدتی از ادامه این جنگ بعنوان وسیله‌ای برای مبارزه با رقبای لیبرال خود استفاده کرد و همانگونه که ما در سرمقاله ۷۹ بدان اشاره کردیم و گفتیم اگر جنگ طولانی شود، مواضع حزب جمهوری اسلامی در - مقابل لیبرالها تقویت خواهد شد، با ادامه جنگ با این هدف خودنا ثل آمد و بالاخره مهمترین رزمه رژیم جمهوری اسلامی دارای بلند پروازیها و جاه طلبیها و توسعه طلبیها گیسست که از همان آغاز در سیاست با نالیسم رژیم و وعده حکومت جهانی اسلامی بتوده‌های متوهم در برابرنا سیونالیسم عربی در منطقه متجلی شده است. هرگونه پذیرش آتش بس و صلح بمعنای شکست قطعی این سیاست در انتظار توده‌ها و برپا در قن تمام آرزوهای راجع نیت قشری و جاه طلبیها و بورژوازی حاکم محسوب می‌شود. بهر رو در شرایط کنونی رژیم جمهوری اسلامی در برخورد با مسئله جنگ درین بسبست قرار دارد، از یکسو خوبی آگاه است که توانایی پیروزی در این جنگ را فاقد است و از سوی دیگر میداند که با پایان یافتن جنگ و پذیرش رسمی شکست، مبارزات مردم علیه آن تشدید خواهد شد. در هر حال یک واقعیت مسلم است و آن ادامه بحران اقتصادی - سیاسی موجود و رشدنا رفیاتی مردم است. اگر تحلیل ما در یک سال پیش منی برای اینکه در جنگ بحران اقتصادی و سیاسی حاکم بر جا معه را گسترش خواهد داد و در آینده تشدید مبارزات طبقاتی را بدنبال خواهد داشت، سیر جنگ و نتایج آن برای ایران هر چه باشد عوارض نا شای از جنگ با توجه به ماهیت طبقاتی حاکمیت، - پایگاه توده‌ای جمهوری اسلامی را در پروسه زمانی تضعیف خواهد کرد. حاکمیت بیش از پیش در تشدید خودنا توانسر خواهد شد. تشدید بحران اجتماعی - درگیریهای جناحهای اصلی حاکمیت را گسترش خواهد داد، و جنگ در کوتاه مدت بر پایه احساسات نا سیونالیستی توده‌های خلق اگر نتواند موجبات گشتن پایه توده‌های هیئت حاکمه گردد، اما این حالت روحی توده‌ها با فرو نشستن جنگ و رشدنا بسا منیهای اجتماعی تغییر کرده و به نارضایتی توده‌ها دامن خواهد زد... (کار ۷۹) امروز بد رستی اشبات شده است، تداوم این شرایط نمیتواند در آینده نتیجه دیگری جز سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی را در بر داشته باشد. بحران اقتصادی و سیاسی موجود باز هم ژرف تر خواهد شد و با اوج گیری مبارزات توده‌ها زیر فشارهای اقتصادی و سیاسی موجود رژیم جمهوری اسلامی از پای در خواهد آمد.

رهنمود به هواداران

پیک انقلاب باشید و خود را برای نبرد قطعی آماده کنید، انقلاب دوباره اوج می گیرد

اینک اینطور بنظر میرسد که دیگر رژیم مطلق میلش بر اوضاع مسلط شده و توانسته است راه رشد جنبش اعتراضی توده ها را سد و آنان را برای مدتی طولانی "به خانه هایشان بفرستد!" هرکس که حتی الغبای ما رکیسم را بشناسد و یا تجارت تاریخی جنبش های جهان را بدرستی مطالعه کرده باشد، میدانند که بحکم قوانین حاکم بر پدیده ها روند تحولات اجتماعی و سیاسی هرگز در مقابل اعمال قهر (حتی با شدیدترین دیکتاتوریها) متوقف نمیشود. بویژه در دورانهای انقلابی (که توده ها از آگاهانه و شور و شوق نسبی برخوردارند) و در شرایطی که عموم مردم زیر فشار فقر و فلاکت قرار دارند، سلب حقوق و آزادیها و اعمال قهر از سوی رژیم، توده ها را به واکنش های انفجاری و حادثه پراکنده است. (فقط در شرایط خاصی که عوامل متعددی از قبیل فقر و... در مقابل انقلاب بکار گرفته شده، تا هدافت و رکودهای جنبشها بوده ایم)

آنچه که امروز در میهن ما میگذرد و برخی آنرا "تسلط رژیم بر اوضاع" مینامند تکرار تجارب کهنه شده است که بارها و بارها تارخ آنرا تجربه کرده است و سرانجام آن چیزی جز سواشی و شکست برای دیکتاتورها نبوده است.

رققا! بسیاری از نیروها قادر نیستند روند تغییر و تحولات سیاسی و اجتماعی را بر اساس اسلوب علمی (دیالکتیک) ارزیابی کنند و تنها ظاهری پدیده ها را می بینند، آنها نتوانستند با مسئولیت نیروهای پیشرو را برین مقطع درک میکنند و نمیتوانند در قبال آنچه که اکنون در عرصه سیاسی و در اعماق جامعه میگذرد، مسئولیتی آگاهانه بپذیرند. بکیرند. از همین رو متر و تویج و تبلیغ نقطه نظرات سازمان (از روند تحولات جاری و آتی جنبش) و همچنین آمادگی برای انجام وظایفی که بطور عملی (برای نبرد فردا) اینک پیش رویمان قرار دارد، مسئولیت بس سنگینی را بر میندوش ما میگذارد. همه میدانیم که بر زمینده بحرانی های عمیق و حادثه گرا میسر انقلاب در آینده ای نه چندان دور، دوباره اوج میگیرد، ما موظفیم که هم پیک انقلاب باشیم و هم با تلاش بیگروبی و قف در راه تدارک عملی برای نبرد قطعی، (پیشاپیش) گام ریزان و زحمتکشان پیشرو (سرباز کارزار).

رققا! فقروا فقه، تالانگریها و احتمال جنایتکارانه رژیم که اکثریت عظیم توده های میهنمان را به انزوا و تنفیری عمیق از حکومت کشانده است، همواره کارخانجات، سربازخانه ها، مدارس، دوایر دولتی و مجامع گوناگون (زنان و...)

راه "منابع انقلاب" بیدل کرده است. در هر کجا که هستید با کوشش بیگردد راه تبلیغ و ترویج مواضع و دیدگاه های سازمان و تلاش در جهت شکل نیروهای آگاه و روز مننده، هر کجا خانه، هر مدرسه، هر سربازخانه و موء سسه ای را به سنگسار مبارزه علیه جنایات رژیم بیدل کنیم. برای تحقق چنین هدفی:

- * بیشترین و نزدیکترین ارتباطات را با کارگران و زحمتکشان آگاه برقرار کرده و آنان را متناسب با وضعیتی که (از لحاظ ذهنی) دارند برای انقلاب آماده کنید. مبارزات آنها را در اشکال متعددا اقتصادی و سیاسی سازمان دهید. به آنان بگوئید که "نبرد قطعی" فرامیرسد و اینبار کارگران و زحمتکشان باید مهر پیروزی را بر انقلاب توده ای بگویند و این ممکن نیست مگر به حقوق خود آگاه باشند و برای احراز آن اسلحه بدست گیرند.
- * با رفقا و دوستانی که به رزمندگی و صداقت انقلابی شان ایمان دارید، هسته های مقاومت محلی (جوخه های رزمی) برپا کنید و با جمع آوری اطلاعات دقیق از مراکز شهری بناهای سیاه خا نه های امن و مراکز سروکوب و ستم - محل اختفای مزدوران چماق دار و حزب اللهی - محل تردد عناصر منغوری همچون شکنجه گران - سرسپردگان بنام و کلیه ارگانهای ضد انقلابی رژیم برپا بیاورید. درست از میزان جنایتکاریها و سرسپردگیشان و با رعایت اکیده مسائلی که در مقاله گذشته جوخه های رزمی بدان اشاره شده است آشنایان را به سزای اعمال ننگینشان برسزایانید.
- (چنینا نچه خودتسانی قادر به انجام برخی عملیات نظامی نیستید، شناسائی های خود را در اختیار سازمان و یا سایر نیروهای انقلابی قرار دهید.)
- * مراکز نگهداری و حمل و نقل اسلحه و مهمات و پول دشمن را شناسائی کنید تا در فرصت مناسب توسط خود شما و یا سایر انقلابیون مصادره گردد.
- * به روشی که میتوانید آشنایان را سازمان و تکثیر و در اختیار کارگران و زحمتکشان و همکاران خود قرار دهید.
- * با رعایت مسائل امنیتی و باهوشیاری لازم، در بحث های خیا بائی، در محل گسار خود با افراد غیر سرسپرده و مزدور مردم زحمتکش گفتگو کنید و آنان را از مسائل باخبر کنید و برایشان توضیح بدهید که در میان "بالاشیها" چه میگذرد، گروه ها و سازمانهای مختلف چه میگویند و این جنگ و دعواها بر سر چیست و سرانجام پیروزی از آن چه کسی بی خواهد بود.
- * با گزینی که خوش باوری و امید به پیروزی زودرس و آسان را (به اشکال

مختلف) در میان توده ها اشاعه میدهند، مبارزه کنید و با تاکید بر این واقعیت که قدرت واقعی و عنصر تعیین کننده در انقلاب ما، کارگران و زحمتکشانند، حضور آگاهانه و فعال توده ها را در عرصه پیکار عملی سازمان دهید و بنویسید راه بندوبستها و سازشکاریها را بین بالاشیها سد کنیم.

- * اینک که رژیم جنگ داخلی را اعلام کرده است و همه روز به چندین خانه و محل زندگی نیروهای انقلابی مسلحانسه بیورش میبرد و آنان را دست بسته جوخه های اعدام میسپارد، مسئله دفاع از خود، برای نیروهای انقلابی حرفه ای به امری حیاتی بدل گشته است. هر چند زیستن در دریای بیکران توده های کارگران و زحمتکش بهترین سلاح دفاعی انقلابیون میباشد ولی در شرایطی که بهر دلیل امکان پذیر نیست که از پوششهای توده ای کاملاً مطمئن استفاده شود، - تسلیح و دفاع از خود مسلحانه بوظیفه امری حتمی بدل میشود. (البته سلاح حتماً باید در موارد ضروری - با برنامه و در صورت آشنائی لازم با طرز کار آن، مورد استفاده قرار گیرد) مثلاً "رققای مخفی" که اخیراً "متواری" شده اند (بویژه اگر جمعی زندگی میکنند) باید خود را به انواع سلاح های ممکن مجهز سازند.
- * بمنتظر افزایش اطلاعات نظامی و آشنائی با تئوری های گوناگون جنگ، تجارب جنگها و عملیات نظامی جنبشهای جهان، بویژه تجربیات انقلابهای پرولتری و در رأس آن تجارب رفقای ویتنام (که رفیق جیاب بهتر و بیشتر از دیگران آنرا جمع بندی و تشریح کرده است) را - مطالعه کنید و با درکی خلاق، تجارب آنان را مورد استفاده قرار دهید.
- * با استفاده از تجارب تکنیکی (که امروزه وجود دارد) با ساختن و تهیه ادوات جنگی بپردازید و در صورتیکه در حال حاضر از آنها استفاده نمی کنید، آنها را انبار کنید.
- * برای آنکه در کار مبارزه ضایعات هر چه کمتر و انرژی ها هر چه بیشتر بکار گرفته شود برای خودتان برنامهریزی سیستماتیک داشته باشید (بطوریکه متناً و با "برنامه کنترل شود و ملزم به اجرای آن باشید) قطعاً چنین برنامه ای زمانی میتواند نتیجه مورد نظر را داشته باشد که عمیقاً به ضرورت "دیسپلین انقلابی" پی برده باشیم.
- * رفقا! برپا بیاورید واقعیت است که "پیشاهنگ قادر نیست بدون اینکسه خود مسلح سازمان و مظهر فداکاری و پایداری باشد، توده ها را در راه انقلاب بسیج کند". از سنن انقلابی سازمان بر افتخار زمان پاسداری کنیم و همچنان در پیشاپیش توده ها بپرجمد و مبارزه علیه دیکتاتور و امپریالیسم باشیم.

پرولتاریا و آزادیهای دمکراتیک (۷)

وظایف پرولتاریا در مقابل متحدان خود

انحاط نمیکند. این پشتیبانی از متفق است بر بددشمن معنی (لنین - وظایف سوسیال دمکراتیک روسی). این مسأله بدان معنی است که کمونیستها همواره - مسأله موقتی بودن اتحاد در مسائل سیاسی و دمکراتیک را کورده نمیکند، کمونیستها اگر حربه ما لکن روسا و دهقانان میان ما در مقابل سرکوبت و درجهت احقاقی خواستهایی چون ما، ما، آب، کود، بذر و غیره سیاسی نمیکند و در عمل در کنار آنان و بیسایب آنان به مبارزه میزنند. اما همواره موقتی بودن این پشتیبانی را ذکر می‌دهند. همواره به بیرون رفتن و همچنین به دهقانان با ادوری میکنند که در صورتیکه خرده مالکین بر اثر خصلت "پرستش مالکیت" خصوصی خود در مقابل پرولتاریای روستا قرار گیرند این اتحاد بدل به مقابله خواهد شد. کمونیستها همواره در مقابل سرکوبت و فشا رژیسم بر خرده بیوزاری دمکرات در عین برخاستن به پشتیبانی از آنان در عمل دست اتحاد دینوی نمی‌بندند. آنان در از می‌کنند اما همواره یادآوری میکنند در صورتیکه همین نیرو در اثر فشا سرکوبت و خفقان به‌دامان لیبیرالها پناهده شده و بیادیرت سران آن قرار گیرند به افشای این سیاست و حرکت آنان خواهند پرداخت. کمونیستها همواره در عین اینکه بر همبستگی و اتحاد تمامی نیروهای مترقی و تمام اقشار و طبقات خلق بر ضرورت رژیسم و بر ضد کمونیسم سرمایه‌داری و وابسته تا کیدمی و رزنده همیش نیز "کارگران را متمم بخواهند نمود، - همواره رهنه موقتی و مشروط این همبستگی را توضیح خواهند داد (همانجا)

علت این تمایز، علت این ترسیم قاطع و دایمی خط و مرز میان پرولتاریا و سایر نیروها اینست که فقط پرولتاریاست که مبارزه را تا آخر ادامه خواهد داد. فقط پرولتاریاست که (در این دوران) قادر به شمرسازیدن انقلاب اجتماعی است. فقط در طبقه کارگر است که دمکراتیک می‌تواند طرفدارانی بی‌قید و شرط و بدون تزلزل، طرفدارانیکه هیچگاه به عقب نمی‌نگرد پیدا کند (لنین همانجا) و درست به همین علت است که فقط پرولتاریاست که می‌تواند در دراز مدت آزادی سیاسی و تاسیسات دمکراتیک مبارزی پیشقدم باشد. پرولتاریا طبقه‌ای است تا به آخر انقلابی و این نکته اصلی است که همواره و همیشه در هر عمل و در هر اتحاد باید بر این تأکید ویژه داشت. زیرا بقول لنین "تنها کارگران می‌توانند در راستی توده‌های مردم برای جمهوری دمکراتیک بجنگند، و تا پای مرگ نیز برای آن خواهند جنگید" (مبارزه پرولتاریا و نوکرمنشی بورژوازی - لنین - تأکید از ما ست).

ادامه دارد

میخیزد و در عمل به لزوم اتحاد همبستگی با سایر اقشار و طبقات خلق در مقابل رژیم حاکم می‌بیرد. یا بدحلول این مسأله به بدرستی به تبلیغ و ترویج پرداخت. یا به زنان کارگر توضیح داد که تنها بخاطر زن بودن بر آنان وارد می‌گردد از سوی رژیسم حاکم بر زنان، اقشار و طبقات دیگر خلق نیز وارد می‌شود. هرگاه به بر اثر جنگ ارتجاعی دولت‌های ایران و عراق فشاگرانی و تئورم بر کارگران افزایش می‌یابد یا به دیدن آنان توضیح داد که این فشاگرانی از سیاست‌های ضد خلقی دولت است بردوش تمامی اقشار و طبقات خلق افزون گشته است. آنگاه کارگران مورد سرکوبت و کتار قرار می‌گیرند، دستگیر و اخراج می‌شوند یا به این مسأله را بدرستی تبلیغ کرد که این شیوه‌های سرکوبگرانه از سوی دولت و رژیسم حاکم در مورد تمامی اقشار و طبقات خلق به اجرا در می‌آید و این عمل در ترویج، در نشریات ترویجی و در هشتک‌های کارگری نیز تبلیغ می‌شود. یا به دیدن اشیا و دشمنی رژیسم بر کارگران و اعمال ستم‌ساز بر آنان در عداوت حکومت رژیسم به اقشار و طبقات مختلف خلق و همبستگی کارگران با این گروهها، اقشار و طبقات در مسأله مختلف و وظایف مختلف را نیز آموزش داد.

در جوار این تبلیغ و ترویج کارگران باید یادها در عمل کمونیستها با سایر انقلابیون و شرکت‌آنان به پیش‌پیش‌مبارزات انقلابی سایر اقشار و طبقات خلق باشد. کارگران باید در عمل شاهدان باشند که چگونه کمونیستها بیگیرا نه زمینه‌های اتحاد با سایر نیروها را انقلابی را فراهم می‌کنند. بسوی آنان دست اتحاد دراز می‌کنند و در راه رسیدن به هدف‌های مشترک به عقدا اتحاد و وحدت عمل بر می‌خیزند.

اما با بددقت کرد هرگونه پشتیبانی و یا "عقدا اتحاد" بهیچوجه به معنای مصالحه و یا فراموش کردن اصول سوسیال دمکراتیک نخواهد بود. سوسیال دمکراتها از طبقات مترقی اجتماع بر ضد طبقات مترجع ... پشتیبانی نخواهند نمود. این پشتیبانی هیچگونه صلح و مصالحه را در برنماید و اصول غیر سوسیال دمکراتیک در نظر نداشتند و آنرا

"کسی که در عمل فراموش کند کمونیستها از هرگونه نهضت انقلابی پشتیبانی نمی‌کنند، و از اینرو موظفیم بدون اینکه دقیقه‌ای بماند سوسیالیستی خود را بنهانه در ایام وظایف عمومی دمکراتیک را در برابر مردم بیان و خاطر نشان کنیم، آنکس سوسیال دمکرات نیست، کسی که در عمل فراموش کند که وظیفه‌اش اینست که در طرح و تشدید و حل هرگونه مسأله عمومی دمکراتیک در پیش‌پیش همه با شد آنکس سوسیال دمکرات نیست" (لنین چه باید کرد؟ - تأکید از ما ست) - به اپورتونیستها و سوسیال رفرمیستها توصیه می‌کنیم این سخنان را لنین را دوباره و مدام بخوانند. کمونیستها موظفند از تمامی حرکات انقلابی توده‌ها پشتیبانی کنند و نه تنها با دیدن پشتیبانی به شکل فعال صورت گیرد بلکه کمونیستها موظفند "در طرح و تشدید هرگونه مسأله عمومی دمکراتیک پیشقدم باشند. یا به دهقانان را در جهت مبارزه - زمینهای زمینداران بزرگ بسج کرد. باید در کنار رویش پیش خلقها در جهت تأمین حقوق دمکراتیکشان مبارزه نمود، یا به معلمین را در جهت احقاق حقوق خود مبارزه با سانسور و تفتیش عقاید و خفقان بسج کرد، یا به توده‌های وسیع، خانوادها و زندانیان سیاسی را در جهت آزادی زندانیان سیاسی بحرکت درآورد، یا به زنان را برای مبارزه در راه حقوق اجتماعی برابر با مردان - سازمان داد، یا به پدرمبارزان دانشس آموزان فعالانه شرکت کرد و آنها را در جهت رسیدن به خواسته‌های دمکراتیکشان رهبری نمود، یا به یاسا زنده‌ی زندانیان سیاسی را بهیچوجه گرفت ... فقط به دینوسیله است که در عمل می‌توان به تمامی اقشار و طبقات خلق ثابت نمود که پرولتاریا بیگیرترین متحد و حامی آنان در هرگونه مبارزه - انقلابی است و فقط به دینوسیله است که می‌توان پرولتاریا را به این درک سیاسی رسانید که رژیسم حاکم که بیروشنه‌ترین ستم سیاسی را وارد می‌کند بر سایر اقشار و طبقات خلق نیز ستم میراند. و آننگاه پس از درک و یا حداقل احساس این مسأله است که پرولتاریا در عمل به حمایت از مبارزات دمکراتیک سایر اقشار و طبقات خلق بسج

گزارشی از شکنجه و حشیاانه دژخیمان رژیم جمهوری اسلامی

به‌سازمان وحدت کمونیستی بود. یوسف دانشجویان شگانه شیراز و هنگام عزیمت از تهران به شهرضا در اصفهان دستگیر شده و به سپاه پاسداران منتقل شده بود و توسط پاسداران جنایت و دژخیمان خون - خوارچین شکنجه گردیده بود.

دژخیم‌کشیه ۶۵/۵/۲۵ حدود - ساعت ۱۰ صبح در پزشکی قانونی حدود ۶۰ جنازه از انقلابیون اعدام شده تحویل شده بود که اکثر آنها "مجاهد بودند که اطاق برای خون بود و این امر بدلیل تازه بودن مرگ مبارزین بود در میان اجساد ۲۵ نفر زن بودند که یکی از آنها بنظر ۱۵ - ۱۷ - ساله می‌رسید. آثار شکنجه در روی پا‌های متورم و کبود آنان به وضوح مشهود بود و نقاط

مبارز شکسته شده بود و استخوانهای فکشان متلاشی بود و بصورت ورم کرده و بی‌جان بود جای شلاق روی بدنش بوضوح نمایان بود و بیضه‌ها و بیضه‌ها بشدت ورم کرده و کبود بود اما دژخیمان پس از اینکه ورا زیر شکنجه شهید کرده بودند تیرکلت به او شلیک کرده بودند که زجای تیرا "خون خارج نشده بود و نشان میداد که وی پس از مرگ موردا ما بت گلوله‌ها قرار گرفت است تا بی‌ظن‌ها را اعدام شده قلمداد کرد. جرم واداشتن سه عدد اعلامیه مربوط

در تاریخ ۱۰ شهریورجنازه یک مبارز بنام یوسف یوسفی تحویل خانواده‌اش شد وضعیت جنازه بوضوح نشان میداد که در اثر شکنجه شهید شده است اما به خانواده او گفته شده که او اعدام گردیده است. آثار شکنجه عبارت بود از: درنا حیبه پشت سر وی سمت راست حدود ۲x۱/۵ سانتیمتر جای سرنیزه وجود داشت. زیر بغل‌های او آثار سوختگی ناشی از مفر فلزی "الساکی خمیستی رهبر" حک شده بود. دست‌های این

یوتوان با جنبش طبقه کارگر بیشتر از مبارزات ضد امپریالیستی - دمکراتیک خلقهای ایران

بقیه در صفحه ۱۴

پتک است خون من در دست کارگر داس است خون من در دست بزرگر

- فدائی شهید یعقوب تقدیری (امیر) ۱۳۵۸
- فدائی شهید ایرج سپهری ۱۳۵۲
- فدائی شهید علی میرشکاری ۱۳۵۸
- فدائی شهید هاشم بابا علی رحیمی ۱۳۵۲
- " اعظم السادات روحی ۱۳۵۵
- " آهنگران ۱۳۵۵
- فدائی شهید پروین فاطمی ۱۳۵۲
- " حسن سعادت ۱۳۵۵
- " طهمورث اکبری ۱۳۵۸
- " جمیل خجالی ۱۳۵۸
- " شهریاروا حسن ناسیدی ۱۳۵۸
- " پرویزداری ۱۳۵۵
- " علامحسین بیگی ۱۳۵۶
- " عباس کابلی ۱۳۵۲

فدائیان خلق بهمراه سایه رزمندگان، چه در سالهای سیاه دیکتاتوری و چه پس از قیام خونین بهمن ماه، همواره درسنگر کارگران و زحمتکشان، مبارزه ای تا پای جان برخاستند و نهال انقلاب ایران را شکوفا ساختند و همچنان به مبارزه خودتارهایی ایران ازبند سلطه امپریالیسم ادا میخوانند. شهروهرسال همچون سایر روزها و ماههای تاریخ خونین ایران، مشغول ازجانیهای و فداکاریهای این فرزندان راستین خلق است. یاد همه شهدای خلق را گرامی بداریم و بیما بندهیم تا تحقق کامل آرمان کارگران و زحمتکشان ازپای نماند.

اهر

پورش وحشانه رژیم فاشیستی جمهوری اسلامی به مبارزان و انقلابیون درهر کوی و برزن دیده میشود و شبی نیست که بلندگوهای رژیم زدستگیری و اعدام مبارزان سخن نرانند. یکی از دستگیریهایی نیز در تاریخ ۶۰/۵/۲۶ در پادگان این شهر اتفاق افتاد. در جریان دستگیری از این قرار بود که از چندی پیش بر دزدیوار پادگان، شعارهای سازمانهای انقلابی نوشته می شد و انجمن اسلامی پادگان علی رغم تلاش بسیاری نتوانسته بود پرسنل انقلابی را شناسائی کند. در این رابطه آخوندی بنام بیات که رئیس انجمن اسلامی پادگان است، یک روز صبح صبحگاهی اعلام کرد که اگر سربازانی از قلمبیت سربازان انقلابی با خبر باشند و آنها را لود کنند خود آنها نیز شناخته شوند و تحویل دادگاه نظامی خواهند شد. بعد از گذشت چند روز به نفر دستگیر شدند که دو نفر از آنها هوادار سازمان مجاهدین و یک نفر هوادار آزادی سازمان ما اعلام شد. پس از پرونده سازی از سوی انجمن اسلامی و تحویل آنها به سپاه پاسداران زنجان و اعلام اینکه از آنها ماژیک و نشریه گرفته اند، تحویل دادگاه نظامی قزوین شدند و یک نفر از آنها به ۹ ماه و ۲۰ نفر به یکسال زندان پس از ختم خدمت محکوم گردیدند. پس از تحقیقات در این مورد مشخص شد که دو مزدور اکثریتی آنها را لود داده اند و این اولین بار نیست که این چاکسیران سرما به داری دست به چنین جنایاتی میزنند و در قبال این جنایات با سخ دندان شکنی نیز از جانب خلق در یافت خواهد کرد.

شهیدی از قائم شهر



جلادان رژیم جمهوری اسلامی، همچنان به کشتار وحشیانه جوانان انقلابی و مبارزمیمنان ادا می دهند. اعدامهای گروهی و بدون محاکمه هر روز رژیم، خشم و نفرت عمیق عمومی را برانگیخته است. هر روز در اکثر شهرهای ایران، دهها مبارز انقلابی با گلوله های آمریکا کشته می شوند. بخاک درمی غلطند و هر قطره خونشان مشعلی میشود و قراخ خلق بیدار و بپا می آید. روز بیست و پنجم مرداد گذشته رفیق زهرا فرما تبردار، هوادار صدیق و فعال سازمان همراه با شش رزمنده دیگر از سازمان مجاهدین خلق در مقابل جوخه آتش قرا گرفت. رفیق زهرا فرما تبردار در سال ۱۳۲۹ در روستای قائم شهر متولد شد و با طرز واقع نمایی خانوادگی با آنچه روح و فقر و درد زحمتکشان از کودکی آشنا شد. رفیق زهرا در تیرماه توسط

پاسداران سرما به جناحت دستگیر شد. دژ خیمان بسیار کوشیدند تا زیر شکنجه رفیق را به حرف زدن و ادا رنما بیاورند اما نتوانستند و سرانجام او را به جوخه اعدام کردند.

"گوارشی از زندان اوین"

روز چهارشنبه ۱۱ شهریور پاسداران و بقول یکی از مادران فاشیستها مثل سنگ ها رخته بودند به هیچکس اجازه ورودیبه خیابان اوین را نمیدادند و با رکیک ترین فحشها فریاد میزدند که بروید و بیجان را در بیست زهرا ببینید، بروید کفن بخردید و با ضربات شیدا جسد بیجان را بفروستیم و با فریاد و فحش مادران را متفرق کردند. روز ۱۲ شهریور از ساعت ۵ صبح تا ۱۰ ظهر زندان نیا بتدریج جمع میشدند حدود ساعت ۴ صبح پاسداری فریاد زدند که وین تعطیل است بروید و دیگر نیا شیدا ما مردم بیطرف خیابان زندان بطور دسته جمعی حرکت کردند که به یک راهپیمایی آرامش با همت داشت زنی گفت شوهر ما بردند داخل زندان که بچه مسان را ببینند و من منتظر هستم حدود نیم ساعت بعد یک مرد مسان را اندام لنگ لنگان در حالیکه یک دستش به پهلویش بود از دور پیدا شد معلوم شد که او را برده اند داخل زندان و حسابی کتک زده اند و گفته اند تا توبائی دنبال فرزندان نیا شئی. مادری که فرزندش را سه روز پیش اعدام کرده بودند و در جمع شد و تعریف کرد که پس از کشتن فرزندش به او گفته اند که حق نداری برای انجمن ختم

که از پشت به آنها حمله شود. آنها دو پسر ۱۵ ساله که همراه مادران بودند کتک زدند و در حالیکه فحشهای رکیک میدادند کیفهای زنان را با زورسی کردند سپس از مادران خواستند که دونه، دونه سوار توبوس شوند و همه سوار یک توبوس شوند که مادران بدون توجه به این حرف متفرق شدند. خانواددهای زندانیان که هر روز در برخورد با دژ خیمان رژیم بیش از پیش به ماهیت ضد خلقی این مزدوران بی مهربانیت از بیگ در تجربه روزمره درمی یابند که تنها با اتحاد و یکپارچگی خود خواهند توانست مزدوران را وادار به تسلیم نمایند. و دیگر نیست که خلق رزمنده ایران با ردیگری بسیار از ای متحد و متشکل زندانها را بکشاید و فرزندان انقلابی را در آغوش کشد.

بگیری اما من مجلس ختم گرفتم و تمام اهل محل شرکت کردند و حتی مغازه های محل تعطیل شد. حرفهای این مادر گمشده توانم نشان دادن عکس فرزند قهرمانش بود تا شیر بسپارم و شبتی بروم و همه با سر طردان داشت. سپس مادران تصمیم گرفتند بعنوان اعتراض به عدم ملاقات از زندان در مسیر پارکوی تا میدان انقلاب پیدا شد حرکت کنند حدود ۲ کیلومتر راه رفته بودند و دوبار شعار زندانی سیاسی آزاد باشد کردند. "دا ده بودند و یک نفر هم شعار مرگ بر خمینی دادند که ناگهان ما شین لندور - پاسداران سر رسید و آنها را محاصره کردند و خانواددها را در کنار دیوار ردیف کردند و عساکرین را که از پارکوی میگذشتند از محله دور میکردند و ما "بشدت میترسیدیم

تور، شکنجه، زندان به نفع غارتگران، آزادی سیاسی، شورای انقلابی، به نفع زحمتکشان

درمدارس چه باید کرد؟

مبارزه و تداوم مبارزه در تمام تشکلهای صنفی و علمی نیست بلکه تا کید ما برای این است که شبکه های نیروهای مترقی دانش آموزی با بدبختی های کمالاتی مغفای سازماندهی شود. ارتباطات آن دقیقاً "از نظر رپنها" باشد تا بتواند رهبری حرکات مبارزاتی و تشکل دانش آموزان را ایفا نماید.

با بدو سببترین نیروهای ممکن را - حول شعارها و مبارزات دمکراتیک گسترده آورد. باید تمام می و جوه سیاسی خشنان رزمی را - چه در جاه و چه در مدرسه بعنوان جزئی از آن - به وسیله تشکل افشاکرد و بخصوص با بددرا بین کار رپیکر و کوشا بود با بدحقوق دمکراتیک و آزادیهای سیاسی را که حق تمام می دانش آموزان و از دست آوردهای مبارزات خونین خلق است هموار را به آوری نمود. باید از طریق طرح ملموس ترین خواسته های توده های دانش آموز - چون مقابله با محتویات تارتجایی کتب درسی، مقابله با سیاستهای اختناق در سطح مدرسه، لزوم وجود کتبخانه و... - آنان را بر ضد رژیم و عوا ملش در مدارس - بسیج نمود. باید عتناً صراحتاً سوس و دست آموز افشا کرد و عتناً مرانچمن اسلامی و مسور تربیتی را کلاً "ملا" نگشت نما نمود. باید آنگذربکوشم تا تمام عتناً سردر بین وسیع ترین توده های دانش آموزان طرفدومنفرد شوند. نه تنها کسی با آنان حرف نزنند بلکه

و تمام استگای خود را بر سر نیزه نهاده - است. در مدارس نیز شیوه های عربان تری را سرکوب را چه در حد جاسوسی و خبرچینی علمی و چه در حد دستگیری و ترور در پیش خواهد گرفت. در چنین شرایطی است که دانش آموزان میبایست چه باید کرد؟
الف: در ابتدا با بدنوگ تیز حملات را بر خراجها، دستگیریه و تصفیه ها قرار داد. باید توجه داشت که رژیم سعی دارد حتی - الامکان مدارس را بدوین نیروهای مترقی بگشا بدو در این راه از هر کوششی کوتاهی نخواهد کرد. در چنین شرایطی هر چند سازماندهی مبارزه مشکل بنظر آید باید تشکلهای اولیه ای در بین تصفیه شدگان و اخراجیه ایجاد نمود. باید اهداف رژیم را از "پاکسازی" و "تصفیه" ها به وسیله ترین شکلی تبلیغ کرد و باید به دانش آموزان - نشان داد که تن دادن به چنین سئال تحصیلی بی جز پذیرش تحصیل در گورستانی "آرام" معنای ندارد. باید بهر طریق ممکن سیاستهای سرکوبگرانه رژیم را - هر چند در لوای مسائل درسی، تعهدنا مه و... افشا نمود و مسا له اخراج شدگان و دستگیر شدگان و تصفیه شدگان را به مسا له

اینک در آستان سال تحصیلی جدیدی قرار داریم. باید دیگر مدارس این مراکز پر جوش و خروش در تمام نقاط شهرها و وروستا ها گشوده میگردد. تجمعی مجدد و مسلماً "در پی آن تشکلهای نوین، آگاهانه رزمندگی و تشدید مبارزه طبقه ای، چیزیکه رژیم از آن هراس مرگ دارد.
رژیم که در سال گذشته در مدارس ضربات بسیاری را تحمل کرد و سیاستهای اختناق سرکوبگرانه اش بیش از هر جا با شکست مواجه شد. رژیم که بخوبی به نقش برجسته دانش آموزان انقلابی در ارتقاء آگاهی و مبارزه توده ها واقف است اینک با بسیج کامل به پیشوا زسال جدید تحصیلی می رود. رژیم که سالها سال حاکمیت حزب الله در مدارس را نمیداند است سعی دارد با توسل به سیاستهای سرکوبگرانه مدارس را به گورستانی خاموش بدل سازد و دانش آموزان را از هرگونه مسأله سیاسی - چه در سطح مبارزه سیاسی - دور نگهدارد. هر چند که شیوه های سرکوب و سیاستهای اختناق رژیم مستقیماً با سطح مبارزه طبقه ای و اشکال سرکوب رژیم در کل جامعه در ارتباط است اما از هم اکنون بسیاری از آنها را میتوان بروشنی بررسی کرد.
یکی از عمده ترین شیوه های رژیم جهت فائق آمدن بر مبارزات دانش آموزان سعی در بازگشائی مدارس بدون دانش آموزان مترقی و مبارز است چون تنها در این صورت است که شاگردان سال حزب الله قادرند در مدارس جا کمیت کنند. بهمین علت نیز شیوه های متفاوتی جهت تصفیه دانش آموزان مبارز را رگرفته شده خواهد شد که در سطح جدا قل آن عدم ثبت نام، - نداشتن معرفی نامه از مسجد یا کمیته محل نداشتن نامه تضمین از نا فیه جهت قبولی و... و در سطح جدا کثرت خود بصورت دستگیری (وا حیاتنا "عدم" خواهد بود.
از سوی دیگر سیاست تشدید اختناق و جلوگیری از هرگونه مبارزات صنفی و سیاسی و میمال تمام می آزادیهای سیاسی در مدارس و چه دیگر سیاست رژیم برای این سال تحصیلی است. این عمل "عادی" عین استکبارانه به مویات دولتی - حشو و بخشنا مه و تعهدنا مه و... تکیه بر مریبان امورتربیتی و انجمنهای اسلامی مدارس پیش برده خواهد شد، که ارکان اصلی آن در عین گما زدن جاسوسهای امن اسلامی و تکیه بر اخراج و توییح، تعطیل تمام می فعلیتهای فوق برتیا مه (بجز فقهائیه ای انجمن اسلامی) و جلوگیری از ایجاد هرگونه تشکل دانش آموزی از جمله شوراهای خواهد بود. در عین حال رژیم برای - له پاسا بقایای علمیه غیر مکتبی و از جمله مبارزان نیز لایحه پاکسازی را در دست دارد و در این رابطه مسلماً "موجد دیگری از اخراج و تصفیه را در مدارس بر آه خواهد نداشت. امری که مسلم است اینست که رژیم اینک سرکوب و کشتار عربان را پیشه کرده

دانش آموزان به مقابله با حضور آنان در مدرسه و کلاس بپردازند و دنیا شیوه های بی چون هو کردن و با هر روش دیگر آنان را منزوی نماید. در مدارس حتی زمینه سازماندهی دانش آموزان جهت تشبیه ها سوسان و خیر چنان وجود دارد و باید پدیدار این جهت کوشید. باید دقت کرد که بسیج وسیعترین توده های دانش آموزی تنها با تبلیغ وسیع و تشکل در اشکالی چون منزوی کردن انجمنهای اسلامی و امورتربیتی ها ممکن نیست بلکه باید در اشکال متفاوت و مختلفی از حرکات جمعی نمود. باید یکی از مهمترین تجارب که باید توسط دانش آموزان جمع بندی گردد و در شکل تکامل یافته خود مورد استفاده قرار گیرد ورزش صبحگاهی است. ورزش صبحگاهی همواره است که از سوی میتوان وسیعترین توده های دانش آموزی را به آن جذب نمود. آنان را تشکل بشخید و بحرکت در آورد و از سوی دیگر به عربان ترین شکل ما هیت و سیاستهای سرکوبگرانه رژیم را به نشانیشان (زیرا رژیم سعی میکند تا این ابتدائی ترین شکل تشکل و حرکت دانش آموزی را نیز سرکوب نماید) در این جا با بدکا "ملا" دقت کرد که خطاها و اشتباهات سال گذشته تکرار نشود یا نگردد. باید از انحصاری شدن ورزش صبحگاهی به گروه یا گروه های خاص کلاً "ملا" اجتناب کرد. باید شعارها را بصورتی انتخاب نمود که وسیعترین دانش آموزان شرکت نماید. مثلاً "شعار مرگ بر آمریکا، شعار درود بر آزاد دو...". قاعدتاً تمام دانش آموزانی را که کمترین گرایش دمکراتیک را دارند را میباید تشدید نماید. شعارها را چون درود بفرستد، درود بر مجاهد، تشنه ره را بی... قاعدتاً حرکت را از بوله نماید و به حرکتی جدا از وسیع ترین توده های دانش آموز بدل کند.

تمامی دانش آموزان بدل کرد. باید در مقابل این سیاستها، حرکات جمعی را سازمان داد. در این رابطه چند نکته را باید در نظر داشت. از سوی شیوه ها و روش های ایجاد حرکات جمعی در رابطه با وضعیت خاص هر محیط و هر مدرسه انتخاب میگردد. اما کلاً "حرکات موضعی و کوتاه مدت" در نظر داشتند برداشته گردانده مورد استفاده قرار میگردد. از سوی دیگر در رابطه با حرکات جمعی باید حتی الامکان از نیروهای خانوادها یاری جست این عمل ضرورتی ندارد. تا شیری بسیار رزمیزان و ساعت و بر دحرکات مینهد، به مبارزات ابعادی توسعه میبخشد. رژیم را نظراً عملاً فشا ر و شیوه های علمی و خشن سرکوب تحت فشا ر بیشتری قرار میدهد و...
بنهروبا بدبیشترین سعی و تلاش رادر جهت جذب بیشترین نیروی دانش آموزی قرار داد. باید در رابطه با مسئله اخراجها، دستگیریه و... نه فقط دانش آموزان - اخراجی و دستگیر شده و خانواده های شان، بلکه توده های وسیع دانش آموزان را به حرکت در آورد. در این رابطه تبلیغ حول سیاستهای رژیم نقش اساسی را دارد. راست. ب: در مدارس چه سیاستهای را به پیش بریم؟
روشن است که باید فشا گریه های سیاسی را وسیعاً سازمان داد. باید پیش از پیش افشای سیاستهای ضد خلقی رژیم و با زتاب های آنرا در مدارس، به راه حل مبارزاتی و تشویش و ترغیب توده های دانش آموز به تشکل و مبارزه، پرداخت. در این راه - با بدبهای کافی و قراوانی به کار رخصی و ایجاد تشکلهای مخفی در بین پیشروترین اقشار دانش آموزان داد. مسلماً این به معنای عدم استفاده از شیوه های علمی

است اما از هم اکنون بسیاری از آنها را میتوان بروشنی بررسی کرد.
یکی از عمده ترین شیوه های رژیم جهت فائق آمدن بر مبارزات دانش آموزان سعی در بازگشائی مدارس بدون دانش آموزان مترقی و مبارز است چون تنها در این صورت است که شاگردان سال حزب الله قادرند در مدارس جا کمیت کنند. بهمین علت نیز شیوه های متفاوتی جهت تصفیه دانش آموزان مبارز را رگرفته شده خواهد شد که در سطح جدا قل آن عدم ثبت نام، - نداشتن معرفی نامه از مسجد یا کمیته محل نداشتن نامه تضمین از نا فیه جهت قبولی و... و در سطح جدا کثرت خود بصورت دستگیری (وا حیاتنا "عدم" خواهد بود.
از سوی دیگر سیاست تشدید اختناق و جلوگیری از هرگونه مبارزات صنفی و سیاسی و میمال تمام می آزادیهای سیاسی در مدارس و چه دیگر سیاست رژیم برای این سال تحصیلی است. این عمل "عادی" عین استکبارانه به مویات دولتی - حشو و بخشنا مه و تعهدنا مه و... تکیه بر مریبان امورتربیتی و انجمنهای اسلامی مدارس پیش برده خواهد شد، که ارکان اصلی آن در عین گما زدن جاسوسهای امن اسلامی و تکیه بر اخراج و توییح، تعطیل تمام می فعلیتهای فوق برتیا مه (بجز فقهائیه ای انجمن اسلامی) و جلوگیری از ایجاد هرگونه تشکل دانش آموزی از جمله شوراهای خواهد بود. در عین حال رژیم برای - له پاسا بقایای علمیه غیر مکتبی و از جمله مبارزان نیز لایحه پاکسازی را در دست دارد و در این رابطه مسلماً "موجد دیگری از اخراج و تصفیه را در مدارس بر آه خواهد نداشت. امری که مسلم است اینست که رژیم اینک سرکوب و کشتار عربان را پیشه کرده

بسیج در صفحه ۱۱

بسیج در صفحه ۱۱

بسیج در صفحه ۱۱

رهبری طبقه کارگران پیروزی مبارزات ضد امپریالیستی - دموکراتیک خلقهای ایران است

بقیه از صفحه ۱۰

در مدارس

چه باید کرد؟

همان ورزش را در دست خود قبضه کرد. ممکن است در مقابل جلوگیری از انجام ورزش - صیحا هی آنرا به جلوی مدرسه یا به دیدن اطراف آن بدل نمود (این مسئله در شرایط فعلی در رابطه با دختران قابل انجام نیست) و بدین طریق وسیعترین ابعاد افشاگرانه را به آن داد. . . بهر و هر چند قبلا نیز به رفا و دانش آموزان آیسین رهنمود داده شده بود اما اینک صریحا "بهر آن تا کید میکنیم که باید تا رب فعلیتهای سال قبل را وسیعاً مورد بررسی و جمع بندی قرار دهیم تا بتوانند اشکال مبارزاتی خود را سازمان دهند.

نکته ای که باید بر آن تاکید مجدد نمود اینست که رهبری مبارزات و سازمان دهی دانش آموزان انقلابی باید بشکلی مخفی باشد اما توده های دانش آموز با دیدن اشکال متفاوت شکلهای علنی و ونیمه علنی سازمان داده شوند. تا بتوان همواره بیشترین بسیج را داشت. مثلا " ایجا دشبکه ای نیمه علنی جهت بخش دست بدست نشریات انقلابی در هر مدرسه خود تشکلی جهت بسیج توده های دانش آموزان محسوب میگردد.

ج: مبارزات دانش آموزی را از چهار رچوب محصور مدرسه به خارج گشک کنیم.

در شرایط فعلی که جو جامعه سیاسی است با بدستی نمود بیوندی هر چه وسیعتر - بین مبارزات دانش آموزان و توده ها ایجا د نمود. در این جهت باید روندی دوگانه را به پیش برداریم. سوسیالیسم یا دیدمائل توده ها را وسیعاً و بشکلی ملموس بسا مبارزات دانش آموزان گره زد. باید بدست مسائل کارگران و زحمتکشان و دهقانان را وسیعاً در مدرسه تبلیغ نمود. باید بدست دانش آموزان عیال نشان در رژیمیکه آنان را سرکوب میکنند همان رژیمیکه است که کارگران و زحمتکشان و پدران و مادران آنها و توده های خلق را نیز سرکوب میکند و از این طریق لزوم همبستگی مبارزاتی خلق را به میان آنان برده. از سوی دیگر باید مسائل و مشکلات دانش آموزان و سیاستهای سرکوبگرانه رژیم در مدارس را به میان توده ها برد. در این مورد تبلیغ این مسائل در خارج از مدرسه، در محلات اطراف و مدرسه در میان خانواده ها و در محلات بسیار مورد ضروری است.

از جنبه عملی نیز اولین گام ایجا د زمینه های لازم جهت شرکت هر چه وسیعتر خانواده ها در مبارزات دانش آموزان است با زداندن دانش آموزان و خانواده ها نشان ترکیبی یکپارچه در مقابل حاکمیت ایجا د نمود.

د: نقش ما در خارج از مدرسه: در شرایط متحول کنونی، نمیتوان و نباید وظایف و مبارزات یک دانش آموز را به مدرسه و به شکل سازماندهی دانش آموزان محدود نمود. هر دانش آموز انقلابی بعنوان عنصری آگاه و پیشرو باید در جامعه نقش خود را وسیعاً در سازماندهی مبارزات توده ها و ارتقاء آگاهی آنان برعهده گیرد. در این رابطه در عین حال که وظایف را که در "چه باید کرد" - در محله "خواهدا" مبادی توسط دانش آموزان متروقی انجام گیرد.

اکنون نیز بر پیشبرد حرکات تبلیغی تاکید میکنیم. دوستان دانش آموز با دید وسیع - ترین نیروی ممکن را جهت شعاری و سیاسی و پخش اعلامیه های سازمان در محلات بسیج نمایند. باید با در نظر گرفتن اصول منبیتی در گرداگرد خود شبکه ای جهت توزیع دست بدست نشریه کار ایجا د کنیم. آنگاه می توان این شبکه را جهت سازماندهی شعاری نویسی (حتی در ابتدا بی ترین سطوح مثلاً در تلفن های عمومی و اتوبوسها) و نوشتن و جسیا تدبیر دستنویس از مقالات، تراکتها و اعلامیه های سازمان (که در شرایط فعلی بسیار بر آن تاکید داریم) بکار گیریم. از سوی دیگر پخش اعلامیه ها، تراکتها و نشریات سازمانی را در وسیعترین تیراژ ممکن شکل داد. در این رابطه نیز شیوه های مختلفی چون بخش در خانه، قرار دادن آنها در تلفنهای عمومی و یا بخش با موتور سیکلت را میتوان بکار گرفت که در باره آن بعداً شرح خواهیم داد.

ه: وظایف محوله را چگونه به پیش بریم؟ در ابتدا باید متذکر شویم که جهت برداشتن اصولی از مساله "تبلیغ" و اشکال پیشبرد آن و همچنین درک نقش ارگان سراسری و وظایف آن هر یک از رفا بسیار است. و ضروری است - دوسری مقالات تبلیغ و نقش آن (شروع شده از شماره ۹۸) و "ارگان - سراسری و وظایف آن" (شروع شده از شماره ۱۲۲) را با دقت مطالعه و بررسی نمایند. اما از نظر شیوه ها و روش پیشبرد وظایف تبلیغی و افشاکریمای سیاسی باید تصریح کرد که تمام رفاقی دانش آموزان نباید در فعالیتها بکوشند که همواره حضور آنان در مدرسه "کاملاً مشهود" باشد. باید همیشه دانش آموزان را در کنار خود حسی نمایانند و این میسر نیست مگر با حضور فعال تبلیغاتی ما.

این رابطه باید شعاری و سیاسی را سازمان دهد. همواره باید ایدئولوژی در جیب داشته. در راهروها، پشت نیمکتها و در راهروها دیوارها را با ایدئولوژی خود بنویسیم. روی تخته سیاه قبل از زنگ میتوان بسا کمی زیرکی و سرعت عمل شعاری نوشت اگر اینکار وسیع باشد قابل کنترل برای عوامل رژیم نیست. مسلماً "زحمت یک ک کردن شعاری ما را فالانزها و مسئولین متحمل می شوند! و ما میتوانیم هر چند روز یکبار شعاری جدید خود را بنویسیم. دقت کنید که تنها شعاری سازمان کافینیت باید بشعاری ملموس دانش آموزان را - نیز نوشت. باید ایدئولوژی اسلامی چی ها و فالانزها و جاسوسان را افشا کرد، باید سیاستهای مدیریت مورتر بیستی را رسوا نمود، باید دانش آموزان را به ورزش - صیحا هی فرا خواند. . . .

دستنویسهای کوچک یکی از عملی ترین و راحت ترین وسایل تبلیغ است. با کمک گیری از کادریکهای شعاری و سیاسی سخن را مورد نظر خود را بر کاغذی به سه ابعاد حدود ۳ در ۱۰ سانتی متر بنویسید. حمل و نقل آن بسیار ساده است (در داخل نایلون نهاده در جوراب یا شلوار لباس پنهان میکنیم) این دستنویس را می توان در بین نیمکتها نهاد در راهروها پخش کرد از زنجیره ها بیرون ریخت و یا در صیاط مدرسه پخش نمود. دستنویسهای کمی بزرگتر را میتوان بردیوارها و محله های عبور و مرور جسیا نید. برای این عمل هر گاه در محیطمان نتوان بکنفره عمل نمود دورقیق برای محتویات نتوانند کار را به پیش برند. یک رفیق با چوب ما میع (در تیوبهای کوچک) دیوارها و محله های مورد نظر را چسب

میما لدودوری شود. رفیق دیگر در فرصت مناسب (حتی تا یک یا دو دقیقه بعد از چسب زدن خشک نمی شود) تراکتها را که در لای دفتر یا لباس خود نهاد به بروی محل چسبی می چسباند.

علاوه بر تکثیر اعلامیه ها و تراکتهای سازمان بصورت دستنویس میتوانیم بسا راهی حتی شیوه های دیگر تکثیر را بکار گیریم. در این مورد کادریکهای برای تعداد کم بسا مناسب است. در غیر این صورت می توان چهار رچوب تکثیر را بکار برد و بسا تیراژ مناسب اعلامیه ها را چاپ کرد و این عمل را بزرگی را از روش سازمان بروی گیر د (رفقا شی که کار با چهار رچوب تکثیر را بلدند با دید وسیعاً "تراژ آموزش دهند و بصورت دست نوشته یا بشکلی بخش شما بدست تمامی رفاقتا بتوانند تراکتها بکار گیرند)

برای بخش وسیع اعلامیه ها میتوان با رفاقی مدارس دیگر نیز همکار نمود تا هر مدرسه برای مدرسه دیگر اعلامیه بخش کند. این عمل در شرایط فعلی برای رفاقی بسیار میتواند بسیار مورد نیاز باشد. در عین حال از وسایلی مانند بمب اعلامیه بخش کن نیز میتوان سود برد. این بمبها انواع مختلف دارد که میتوان آنرا با اندکی ابتکار ساخت. شیوه کار کردن - چنین است که تعدادی اعلامیه در محلی قرار میگردد و بر اثر سوختن یک سیگار یا خالی شدن با دیک یا دکنگ یا سوختن یک نخ و . . . اعلامیه ها بسا از مدتی که شخص بخش کننده از محل دور شده در هوا بخش میشود یا از بالای پنجره یا با شین میریزد. . . . هیچگاه نباید ایدئولوژی و استثنای آنرا فراموش کرد. مثلاً "بسه مناسب ۱۲۳" آن میتوان ناگهان پلاکاردهای را از پنجره یا پشت بام آویخت. بسا سراسر مدرسه را با فعالیت چشمگیری مخفیانه شاعر نوشت. سرود خوانی کرد، وسیعاً "اعلامیه بخش نمود. . . بهر و هر رفاقی دانش آموز بیشترین امکانات جهت بکارگیری انواع شیوه های تبلیغ را میتوان بدست آورد و تنها باید بسا خلاقیت و کوشش خود را بکار گیرند.

در تجمعی اعمالمان باید ایدئولوژی را به بیشترین سعی را در پیش برد تا حدی (که ما در مورد آن بسا رسخن گفته ایم) با سایر نیروهای متروقی و انقلابی بکار گیریم. اینک دشمن غدار و مشریر خود را از رو بستاند و با تمامی نیرو جهت سرکوب انقلاب حرکت نموده باید ما نیز تمام نیروی صف انقلاب را متحد و منسجم بکار گیریم.

رفقای دانش آموزان در عین بکارگیری رهنمودهای فوق باید بیشترین سعی خود را در ایجا د شکلهای هر چه وسیعتر و بسا بودن هر چه بیشتر قدرت بسیج دانش آموزان بکار گیریم. این عمل بی ضرورت مگر بسا برنا مریزی دقیق و پیگیری انقلابی و کوششی همه جانبه.

باید بدنه تنها در مدرسه بلکه در جامعه و در خانواده خود نمونه ای از یک انسان انقلابی از یک انسان کمونیست باشیم. با ایدئولوژی، خصومت، نظم پیگیری و در کاما نه تنها برای تمامی اطرافیان سر مشق قرار گیرید بلکه خود موجب گرایش وسیعترین افراد به سوی ما گردید. تنها در این صورت است که پیشبرد وظایف انقلابی بسا بیشترین بردموشر خواهد گذشت. رفاقتا بکوشید! ایمان داریم که پیروزی از آن ماست.

مبارزه ضد امپریالیستی از مبارزه برای دموکراسی جدانیت

ثبات منکی به قهر اوج بی ثباتی است

در هفته گذشته، نخستوزیر جدید مهدوی کنی به همراه کابینه اش به جماران رفت تا تشریفات ظاهری مراسم تحلیف را بجای آورد. در این شرفیابی ابتدا مهدوی کنی طی سخنانی، کابینه اش را ادامه دهنده راه با هنر دانست و دولت را متکی به مردم قلمداد کرد و گفت که مسئله امنیت مهمترین مسئله رژیم کنونی است و سپس خمینی سخن آغاز کرد. گرچه اساساً این برنامه ریزی یعنی حضور وزیران در جماران القاء این امر بود که دولت سریم "تشکیل شده و کابینه تکمیل - گردیده است و حاکمیت از ثبات و قسدرت کامل برخوردار است و خمینی نیز در طول سخنانش بر این ثبات موهوم تأکید داشت، اما هر بیننده و شنونده ای - میتوانست بر اوج بی ثباتی رژیم شدیداً "وضعیت نابامان و متزلزل خود در هر اس است. ثباتی را که خمینی بر آن انگشت می گذارد و تا کید میگرد یعنی ثبات منکی به سر نیزه و خفقا و آرامی کنونی است که خود اوج بی ثباتی می باشد و از نوع ثباتی است که شاه نیز سعی داشت همواره القاء کند. سالهای سیاه دیکتاتوری را با طراوت و رژیم شاه هنگامیکه در کوه و خیابان در کارخانه و مزرعه هرگونه صدای اعتراض را در نطفه خفه میکرد و ساک و نیروهای مسلحش همچون سگان و لگور در هر کوی و بوزن - مترصد ریایی و شکار انقلابیون بودند، زندانها از فرزندان خلق آنباشته بودند و روز زندان جدیدی تعبیه می شد و از چیتگروا و این جوی خون مبارزین جاری بود. شاه جلاد در تبلیغات عوام فریبانه - اش فریاد ثبات سر داده بود و افسران راجزیره را می تا میید. گرچه بدلیل شرایط رکود حاکم برجینش و ترک سز قدرت سیاسی، رژیم شاه زیک ثبات نسبی برخوردار بود، اما در آن زمان مردم بخاطر دارنده تنها همان سازمانها که اینک زیر شدیدترین ضربات قرار دارند یعنی عمدتاً "فدائیان خلق و مجاهدین خلق بمشابه نهادهای انقلابی پیشرو در صحنه مبارزه حضور داشتند و تا به قدرت خودگان کنونی، اکثراً "یا در خارج از کشور بودند و یا در آن تقیه پیشه کرده بودند. در آن شرایط خفقا ن آریا مهری، عملیات انقلابی مبارزین نظیر اعدام فرسیوی جلاد باستان شاه و مزدوران و مستشاران آمریکا سی و مزدوران ساواک نظیر زندی ررو و همچنین حمله به ارگانهای ستم رژیم نظیر کلاترینها و از سوی رژیم شاه ترقه بازی تلقی می شود و انقلابیون جان برکف نیز مشتی خرابکار روترو بیست معرفی میگردیدند و حرکات اعتراضی توده ها بلافاصله بگلوله بسته میشد (گرچه حرکات اعتراضی گسترده ای هنوز شکل

شکل نگرفته بود) و در چنین شرایطی یعنی در سایه جواختنای و سرکوب، شاه اعدای ثبات در ایران می نمود. حال با توجه به شرایط کنونی یعنی اینکه نه یک دوران رکود بلکه دوران انقلابی است و علی رغم سرکوبها و کشتارها و دستگیریهای وسیع هر روز شاهد اوج فزاینده جنبش توده ای هستیم و در نقاطی از ایران نظیر کردستان، توده ها بمبارزه مسلحانه بر علیه رژیم دست یا زیده اند، بحسبان اقتصادی ابعادی وسیع یافته است و تضادهای درونی هیئت حاکمه و عدم انسجام حاکمیت هر روز بیشترین - میگردد. خمینی فریاد ثبات سر داده است و حال آنکه حاکمیت در اوج بی ثباتی است. چگونه میتوان در سایه رعب و وحشت و با شان رژیم بدست حاکمیتها و با ساداران و در پناه جوخه های اعدام و کشتارهای دسته جمعی و دستگیریهای گسترده کنونی که هر روز اوج تازه ای می باشد سخنی از - ثبات بعین آورد. اگر رژیم منکی به توده های وسیع مردمی شد یا اساساً نیازی به این همه کشتار و سرکوب دارد؟ آیا اگر رژیم مورد اعتماد مردم باشد تا این حد از ثبات با زمانهای انقلابی وحشت دارد؟ یا اگر رژیم بر اساس منافع توده ها و نه سرمایه داران حرکت کند، تا بدین حد از افشاگریهای سازمانهای سیاسی می هراسد، تا بدانجا که هواداران اینگونه سازمانها را بجرم داشتن یک نشریه یا اعلامیه دستگیر و اعدام کند؟ اما خمینی تمامی این واقعیتها را ندیده گرفته و می گوید: " . . . در هر صورت بحمد - الله ایران با همه حرفها شیکه همه بوقهای خارجی دارند میزنند و ایران را گانه دیگری در ایران کسی نمی تواند در خانه خودش هم حتی زندگی کند، آن نظوری که نظایش میدهند، الان رفته از زمین دیگری خبری نیست در ایران جز اینکه چند نفر راهی می کنند و هر روز می کشند، دیگر خبری در کار نیست همه اینها، افسران با ثبات ترین مالک است الان و این انجارات و اینطور چیزها دلیل ثباتش است هر روز نوشته می شود به اینکه ایران دیگر رفته از زمین و تمام شد و کجاش تمام شده همین ایران هست و همین با زار - ها بجای خود هست و فوراً نعمت هم گران است کجاست که نیست؟ "

در این سخنان چنین بنظر میرسد که اعدای رژیم طرف ۲/۵ ماه از مهر ۸۰ نفرتجا و زکرده است و دهها هزار زندانی در زیر شدیدترین شکنجهها قرار دارند اصلاً مسئله قابل توجهی نیست، اینکه گران بیاید اما گران نمی ندارد، در جمساران که گران است احساس نمی شود و برای پاسداران و کمیته چپ ها و تجار محترم نیز همه چیز فراهم است پس چه غم، خرابی از این دار و

دسته نیز با بد تحمل کند و کمر نه ضد انقلاب - اند و مستوجب جوخه دار - اگر در گذشته دیکتاتوری در پوشش تمدن بزرگ صورت می گرفت اینک دیکتاتوری در لوی تحقق اهداف اسلامی خود را نشان داده است و آنهم تنها اسلامی که خمینی فهمیده است و هرگونه درکی از اسلام نفاق توصیف شده و هرگونه ایدئولوژی در پوشش الحاد و مستوجب اعدام است. اما واقعیت اینست که مذهب از جانب خمینی و رژیم او تنها وسیله ای برای سرکوب نیروهای انقلابی و توده های مردم در آمده است، هرگونه اعتراضی، هرگونه اعتصابی و هرگونه نا رضایتی در پوشش کفر سرکوب - میشود. رژیم که تنها راه خروج از بحران اقتصادی و سیاسی کنونی را در پاسخ با گلوله خلاصه کرده است تصور می کند می تواند مردم را به سکوت و تسلیم وادارد، اما هر گام که در این راه به پیش میگردد، چند گام به سقوط محتومش نزدیک میشود. رعب و وحشتی که موقتاً "بر توده های تحت ستم حاکم گردیده است بمشابه یک عقب نشینی موقت جهت جهش آتی خواهد بود. جهشی که راهشای خلقهای تحت ستم ایران را از هرگونه ستم و استعمار رهنبال خواهد داشت و این زمان نزدیک است .

جهاد مردم

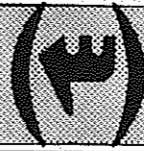
بقیه از صفحه ۱۵

میشوند و پس از تحقیقات مشخص میگردد که اعضای تشکیل دهنده آن پاسداران - سرمایه می باشد و این گروه توسط سپاه هدایت و سازماندهی، میشده، در همسین رابطه شهرهای نی با سرخستی بسیار تصمیم دارد که آنان را به دادگاه تحویل دهد و سپاه نیز از شهرهای خواسته که آنان را آزاد کند. بهر جهت ترور این دوزخمتکش با رژیم گرامیست ضد خلقی رژیم را در دشمنی با کارگران و زحمتکشان بخوبی به نمایش گذاشت .

روز اول شهریور ساعت ۹ صبح یکی از پاسداران سرمایه بطرف یکی از سیکار فروشان دروازه امفهان هجوم میبرد که : "توجه فروش سیکار نداری و این کنار قاچاق است، ما تصمیم گرفته ایم سیکارها را جمع کنیم " فروشنده جواب میدهد "من میخواهم ببینم که میتوانم جلوی فروش سیکارها را بگیرم که بعد از چند دقیقه ماشین سپاه وارد معرکه میشود. سیکار فروشانی که در آنجا مستقر بوده و همگی از آوارگان جنگ ارتجاعی و یا زحمتکشان شیخ از بودند با هو کردن پاسداران مانع جمع آوری سیکارها میشوند و تحسناد و یکبار چکی خود را در عمل به مزدوران - سرمایه و عاملین سرکوب نشان میدهند و اینکه اسلحه آنها در مقابل قدرت و همبستگی زحمتکشان بی قدرت است .

نه سازش نه تسلیم نبرد با آمریکا

یادداشت‌های تاریخی



مقدمات کودتای ۲۸ مرداد

اتحاد جناح خمینی با اعمال آمریکا و دربار از این هم‌فرازمی رفت. بدنبال شکایت شرکت نفت از ایران و اخراج کارشناسان و کارمندان انگلیسی، شورای امنیت تشکیل شد. ۱۴۰ مه‌ر دکتر مصدق برای شرکت در جلسات شورا و دفاع از حقوق ایران به آمریکا سفر کرد. برای شورای امنیت خلاف انتظار به سود ایران بود. دولت شوروی نیز به حمایت از مصدق اعلام میگرد: "شورای امنیت حق مداخله در امور ایران را ندارد". مصدق خود، بهنگام طرح شکایت انگلیس، می‌گفت: "شورای امنیت نمی‌تواند برای رسیدگی به مسئله ایران صلاحیت داشته باشد، زیرا نفت ایران متعلق به خود ایران است". در اول آذر ۱۳۳۵ مصدق با کسب پیروزی نسبی به ایران بازگشت و در ۳ آذر گزارش شورا را به مجلس داد. در همین تاریخ فرما ندها ن کودتا مذاکرات خود را با رجال ایرانی از جمله نصرالله انتظام آغاز کردند. اکنون برخی از مجریان ایرانی کودتا که روز ولت از آنان با نام مستعار ریاد می‌کند، به استخدام طرح در آمدند. در ۱۴ آذر نظاهرات دانشجویان توده‌ای برپا شد و با دیگر گروه‌ها بقا نشی را بسیج کرد. در ۱۶ آذر وکلای روزنامه - نگاران درباری در محکوم کردن آن سرکوب و بنا مدار خواهی در مجلس متحصن شدند. از آن جمله بودند: تولیت، جمال اما می، عباس شاه‌هنده، میرا شرفی، عمیدی نوری و دیگران. هم‌زمان بیانیه‌ها و دشنام - نامه‌های فدائیان اسلام در هم‌زمان روزنامه‌ها، یعنی "طلوع و داد" علیه مصدق انتشار یافت. اکنون "شاه‌سرخ" گوینده بر نامه فارسی رادیوی هیتلری بی‌شائبه موقر را "استاد خود می‌خواند، عبا و عمامه می‌پوشید، تسبیح می‌دو و قول "حکومت اسلامی" می‌داد. بدنبال این تحریکات مصدق نواب را با زداشت کرد (که البته به محض تحقق کودتا زداشت شد) ۲۵ ر بهمن ماه، بنا سر عهد خدای عضو فدائیان اسلام (که امروز نماینده مجلس اسلامی است) دکتر حسین قاضی، مبتکر طرح ملی شدن نفت و همکار دکتر مصدق را ترور کرد. قاضی مدت‌ها بستری شد لیکن جان سالم بدر برد.

از اردیبهشت ۱۳۳۱، و با آغاز مجلس هفدهم، وضع دولت مصدق، منزلت تشریفاتی دست نخورده دست از شاه حمایت میکرد. با آغاز اقتصاد دیبهدون نفت، با زاریان که متافع خود را در خطر می‌دیدند، اکنون به آسانی آماده بودند به جبهه متقابل بیبوندند. روحانیون آنی از تحریک با زار علیه مصدق دست بردار نبودند. بهیچانی به نمایندگی از آنان می‌گفت: "طبقه با زرگان از پشیرلفت امور اقتصادی که در اثر شرف‌فروزی دولت در کار رفت دچار رفته‌گردیده، ما بیوس شده‌است. هم‌زمان، حزب توده، در نامه سرگشاده به مصدق از وجود بحران اقتصادی و پولی "ابرازنگرانی میکرد (جوانشیر، تجربه کودتای ۲۸ مرداد، ص ۱۶۲). مجلس هفدهم که انتخاب با تش بطور ناقص انجام شد، بیشتر مخالفان مصدق را در بر می‌گرفت. ۱۹ تیر هنگامی که بار دیگر نخست‌وزیری به او محول شد (که از ۲۶ نفر فقط ۱۴ نفر ابراز تمایس سل کردند)، مصدق طرح کودتا را پیش بینی میکرد. بدینسان، ۲ روز بعد در خواست

وزارت جنگ را کرد و خواستار اختیارات بیشتری شد. خودش می‌گفت: "من برای آن پست وزارت جنگ را خواستم که می‌دانستم کودتا شای در شرف تکوین است". ایسن درخواست با مخالفت شاه روبرو شد. مصدق استعفا داد و ۲۵ تیر قوام السلطنه بجای او نشست. در اعلامیه نخست وزیر جدید گفته می‌شد: "وای به حال کسانیکه در اقدامات مملحانه من اخلال نمایند... کیفی اعمالشان را کف دستشان می‌گذارم".

با روی کار آمدن قوام با ردیگر جناح خمینی بسیج شدند. نماینده‌ای (که امروز یکی از مخالفان سر سخت اوست) به اعتراف خود (نیز) در وقت خمینی از قوام می‌خواست که در مقابل مصدق ایستادگی کند و به "حمایت از سلطنت" برخیزد. چرا که دولت مصدق "نهایتاً به سود کمونیست‌ها است". آیت‌الله کاشانی نیز که تا ایسن تاریخ در جناح مخالف بود، رفته رفته به اردوستان خمینی - بهیچانی پیوست. امروز حتی هواداران کاشانی معتقدند که چند روز قبل از روی کار آمدن قوام، وزیر دارائی دولت کودتا گرزاه‌سوی، یعنی "علی امینی به ملاقات آیت‌الله کاشانی آمد و اظهار کرد که قای قوام پیغام داده اند که چون بزودی فرمان نخست‌وزیری را خواهند گرفت، و برای مورد اعتماد خود را معرفی نمایند". (مید محمود کاشانی، قیام ملت مسلمان ایران ۳۰ تیر ۱۳۳۱، تهران، ۱۳۵۹، ص ۲۱) اکنون کودتاگران آینه‌ده و عتا صرا آمریکا شای از جمله امینی که به اعتراف برادرش (شاه‌سرخ) امروز، شماره ۲۵) و به استناد نامه دکتر شرمینی از زندان، یک میلیون دلار از ۵ میلیون دلاری که در اختیار زاهدی نهادند به حساب "شخصی" او و ریزشده نیز عتا صر درباری هم‌چون فرامرز و اسداله علم، بر آن بودند که اختلاف مصدق و کاشانی را دامن بزنند و کاشانی را با ارتش همراه سازند. این طرح بدنبال قیام ۳۰ تیر جابه عمل پوشید.

میدانیم که بدنبال استعفای دکتر مصدق و روی کار آمدن قوام در ۲۵ تیر، و از فردای همان روز نظاهرات پراکنده در تهران آغاز شد. سازمان جوانان حزب توده، به زغم مخالفت رهبری از این تاریخ آشکارا به ملیون و پشتیبانی از مصدق برخاست. حتی "فروز حزب معترف است که در آن روزها "فرورت استقرار هر چه بیشتر کنترل حزب بر سازمان جوانان از مدت‌ها پیش احساس می‌شد. زیرا جوانان طبعاً "به سوی اقدامات تند بیشتر گرایش دارند و پذیرش مشی پخته بغرنج برای آنان دشوار است".

لیکن رهبری در این راه شکست خورد و "سازمان جوانان چندین موفقیت آمیز نبود... و این سازمان را در بسیاری از مواقع در برابر حزب می‌گذاشت". (جوانشیر، تجربه کودتای ۲۸ مرداد، ص ۱۹۱).

بدینسان رهبری حزب توده در قیام ۳۰ تیر کوچکترین نقشی نداشت. زیرسرا بیانیته‌های "جبهه متحدان استعمار" در پشتیبانی از مصدق و بدنبال حمایت را دیومسکوار آن دولت (۲۸ تیر) نهایتاً روز ۳۰ تیر، یعنی روز قیام منتشر شد. در حالیکه سازمان جوانان با تمام نیرو به قیام پیوسته بود.

با پیوستن سازمان جوانان به ملیون

و بازگشت مصدق بنا به دست امیرالینتیا و دربار افتاد. اکنون همگان از خطر کمونیسم "دم می‌زدند. نخست آیت‌الله کاشانی از جنبش روی گردان شد. دربار به حمایت از آیت‌الله برخاست. هر روز سران ارتش را می‌فرستادند نزد او که با مر شما چیست، هر چه بفرما شید همان کار را می‌کنیم" و عکس و تفصیلات کاشانی را با ارتشیان در جراید انتشار می‌دادند. (چند ماه پیش سر لشکر با تمام نقلیج نیز در دادگاه‌های اسلامی، به رفت و آمد و مشاوره خود با کاشانی که "از همه چیز خبر داشتند" اعتراف می‌کرد).

حساب جناح خمینی روشن است. خودشان با تحریف رویدادهای تاریخی به نقش خود در زمینه‌سازی کودتا اشاره می‌کنند و در گفتار ۳۰ خرداد ۱۳۶۰، اعلام می‌دارند که در آن روزها مردم عینک به چشم بگ‌زدند که آیت‌الله است. و من وقتی این منظره را دیدم، به یکی از روحانیون گفتم: "دیگر مسئله شخص مطرح نیست"، مصدق با پیدرود، اگر بیایم تبسسه اسلام سلی میزند! لیکن واقعیت این است که مردم رفتن قوام را جشن گرفته بودند. منظور آن سگ قوام بود که همواره عینک به چشم داشت. مردم آن سگ را می‌چرخاندند و شاعران می‌دادند، قوام فراری شده، سوارگاری شده از آنجا که قای خمینی سر سخنان از دولت قوام پشتیبانی نمی‌کردند، در تشخیص هویت دج را شناسا شده‌اند، و قوام را با آیت‌الله کاشانی عوضی گرفته‌اند!

همچنین ما از تکرار اعترافات علی نهانی می‌گذریم که می‌گوید: همه دلایلی که آمریکا بی باور به تدارک کودتاستا خرج کردند، به اندازه اقدامات روحانیون موثر نیفتاد. در همین روزها، روزنامه‌های رسمی کشور اعلام می‌کردند: "رابطه شاه و آیت‌الله کاشانی کاملاً حسنه است و اغلب ملاقات‌ها شای صورت می‌گیرد". (خودنویسها، ۱۴ آذر ۱۳۳۱).

هم‌صدا با روحانیون، اکثر قاضی که اکنون با کاشانی و قوام متحد شده بود، بعدها می‌گفت: "ما در ۳۰ تیر سوگنستید خوردیم به مقام سلطنت و فاداریا شیم". سخنگویان دربار اعلام می‌داشتند: "سران ایلات بختیاری و قشقایی هم قسم شده‌اند که بطور موثری از شاه‌سخت محبوب خویش پشتیبانی نمی‌نمایند... و کشور را از بلای بلشویکی نجات بخشند" (خواب‌نویسها، ۴ آذر ۱۳۳۱).

در ۵ شهریور ۱۳۳۱ اولتیماتوم ترومن - چرچیل به مصدق (به بدنبال قطع رابطه سیاسی با دولت انگلستان) اعلام شد. در مهرماه لشکر کارداشی در اطراف تهران تمرکز یافت. اکنون زمزمه کودتا در همه جا پیچیده بود. یک هفته بعد کیم روز ولت رهبر عملیات کودتا، برای تدارک مقدمات وارد تهران شد. گروهی از تجار و ارتشیان به جرم شرکت در طرح کودتا دستگیر شدند. نام‌ها هدی و بقا شای بر سر زبان‌ها افتاد. دولت شوروی، از طریق روزنامه‌های خود، اعلام کرد: "دولت مصدق ا ممال سقوط خواهد کرد" (روزنامه کارگر باکو، به نقل از - کا میخس، جنبش کارگری...، ص ۹۹). مخالفت جراید انگلیسی و آمریکا شای، جنبه دشمنی آشکار داشت و تلویحاً "از کودتای آینه‌سخت سخن می‌گفت".

اکنون چگونگی اجرای کودتا و عمل بهیروزی آن را بدست می‌دهیم. کودتا شای که از ۱۳۳۰ شکل گرفت و آرام آرام پیش خیزد و سرانجام در دو مرحله اجرا شد: مرحله نخست در ۹ اسفند ۱۳۳۱، چنانکه خواستند آمد، با شکست مواجه گشت و مرحله دوم در ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ تحقق یافت

ادامه دارد

طنزهای سیاه دیکتاتور!

تجربه در مورد این رژیم ثابت کرده است که هرچه بیشتر در مورد موضوعی قسم حضرت عباس میخورد، مسلماً آدم خروس - بزرگتری از زیر عبا و یا درون جیبش بیرون زده است که با اندک توجیهی یافت میشود. مثلاً آقای بهزاد نبوی، در نظر بگیریم که پس از آنجا رد فترت نخست وزیری با آن رنگ و روی پریده قسم میخورد که خبری نبوده است آنجا ر مختصراً وعده ای از برادران با پای خود خارج می شدند و وعده ای را نیز بیرون می آوردند که در میان مجروحین اخیراً قبا با با هنرور جانی نیز بوده اند اما پس از ۶،۵ ساعت روشن میشود که ساختار جسد در جانی و با هنرپس از ساعتها تلاش جمع آوری شده و آقای نبوی دروغ میگفته است.

یکی از жалبتترین موارد موجود در این رابطه سخنرانی خمینی در حضور هیئت دولت بود. خمینی در سخنرانی اش بسیار کوشید تا به طریق ممکن و با دلالتی بسیار قوی اثبات کند که رژیم جمهوری اسلامی با ثبات ترین رژیم های جهان است. خمینی آنقدر در اثبات این مدعا (که البته الحاقاً اثباتش کار بسیار مشکلی است) غرق شده بود که فرا موش کرد در همان جلسه مهدوی کنی نخست وزیر سر مساله اصلی را بیخوابان عمده ترین مسائل موجود در سطح برتیا مه های دولت بر شمرد که عبارت بود از: ۱- مساله جنگ ۲- مساله امنیت داخلی که مساله مهمی است ۳- مساله اقتصاد ۴- با ید پرسید اگر مملکت با ثبات ترین مملکت ها است و اگر پایه های رژیم اینچنین محکم است پس چگونه مساله امنیت ملی در سلوچه تمام می برتا مه های دولت قرار گرفته است.

رژیم جمهوری اسلامی چگونه دولت با ثباتی است که قادر به تامین امنیت ملی نیست؟ با ید پرسید آیا ورشکستگی کا مل اقتصاد، تشدید روز افزون بحران، نداشتن قدرت بر آه اندازی سیستم اقتصاد، نشانه ثبات است؟ یا فقر روز افزون، تورم و گرانی کم ر شکن بیگاری - بیش از ۴ میلیون نیروی کار، آوارگی بیش از ۲ میلیون نفر نشانه ثبات است، آیا پایه های ثبات رژیم بر بنا رضایتی روز افزون توده ها و نفرت فزا ینده شان نهاده شده است؟ یا قتل و کشتار، سرکوب، حکومت سرنیزه، زندانهای مملو از زندانیان ترورهای خیابانی، اعدامهای وحشیانه و سپردن زن و بچه و جوان به جوخه های اعدام نشانه ثبات است؟ یا ممکن است کسی خیابانهای تهران و شهرستانها را ببیند سنگر بندیه ها، دست اندازها و درهای آهن کوب شده کمیته و سایر رگانه های سرکوب را شاهد با شده و سایر دیگر راه - بندها و ماشین گردیه و تفتیش های خیابانی را مشاهده کند و از آن نتیجه نگیرد که رژیم جمهوری اسلامی با ثبات ترین رژیمها است. آیا آنجا در دفتر نخست وزیر، در جلسه بررسی مساله امنیت کشور، آنهم پس از بکارگیری تمام قدرت رژیم جهت حفظ جان شخصیتها "نشانه ثبات - رژیم جمهوری اسلامی است؟

بهر رو علی رغم تمامی این مسائل خمینی معتقد است رژیم جمهوری اسلامی با

ثبات ترین رژیمهای دنیا است! بنا بر این بهترین دلایل چنین سخنی را بررسی کنیم.

خمینی که اینک بدرستی عادت کرده است رژیم خود را تنها با رژیمهای فدخلقی و سرکوبی مقایسه نماید در ابتدای سخنانش میگوید که تا بجا آنحضرت رئیس جمهورهای آمریکا ترور شده اند که آنفسر از آنها کشته شده است و از این سخن نتیجه میگیرد که "پس اگر رئیس جمهور کشته می شود ثبات از بین می رود و باید آمریکا شبانته را از دست داده باشد" خمینی بدین طریق میخواد هشدار بدهد که ترورهای اخیر و مرگ سران مملکتی دلیلی بر بی ثباتی رژیم نیست. دلایل خمینی در این مورد - بسیار قوی است! و تنها از چند مساله جزئی چشم پوشی میکند از سویی خمینی از تفاوت جزئی موجود بین ۱۲۰ سال و ۲ ماه چشم میپوشد. خمینی میگوید تا بجا آنحضرت آمریکا ترور شده اند که آنفسر از آنها کشته شده اند اما نمیگوید این ترورها در مدتی قریب به ۱۲۰ سال اتفاق افتاد و در صورتیکه رژیم جمهوری اسلامی در کمتر از ۲ ماه تقریباً "سران درجه اول خود را از دست داده است. در عین حال خمینی از فاکتورهای چون بحران اقتصاد، حاکم رضایتی توده ها، از هم پاشیدگی سیستم حزب (و در نتیجه عدم قدرت جاگزینی سران و رهبران با کادرهای ورزیده) و نیز چشم پوشی میکند.

خمینی در مثال بعدی خود ضربات وارد بر بیگاری رژیم را با ۱۷ شهریور ۱۵ - خرداد ۱۶ مقایسه میکند و نتیجه میگیرد چون در ۱۷ شهریور علی رغم کشتار وسیع توسط رژیم شاه جلاد توده ها به مبارزات خود ادامه دادند در این مورد نیز مساله به همین صورت خواهد بود و رژیم با ثبات کامل به مسیر خود ادامه خواهد داد. در این مورد نیز خمینی نکته کوچکی را فراموش میکند و آن اینکه در ۱۷ شهریور رژیم جلاد شاه بر بیگاری توده ها ضربه میزد و سعی داشت مبارزات را و جگر بند - خلق را سرکوب کند اما بحران حاکم و خیزش عظیم خلق به او چنین امکانی را نداد. خمینی فراموش میکند که اینک او بر جای شاه تکیه زده است و دیگر در مقابل توده ها و نه در کنار آنظرن قرار دارد. اینک او رژیم جمهوری اسلامی سرکوبگر مبارزات خلق و سعی در خیزش توده ها را به تعویق اندازد و اینک ضربات وارد بر رژیم جمهوری اسلامی ضرباتی است که از سوی خلق بر بیگاری رژیم وارد می آید. خمینی با ید باند (ها) نمونه کسه بدرستی میداند! همانطور که کشتارهای ۱۷ شهریور و ۱۳ آبان و صدها قتل و ترور و اعدام رژیم شاهنشاهی شمری نداشتند و تنها مبارزات توده ها را منجمت و مومم تر ساخت اعدا م جوانان، زنان و کودکان، دستگیری رگران کشتار مبارزین و تمامی سرکوبهای رژیم خونخوار جمهوری اسلامی نیز از سر بیجز تشدید مبارزات توده ها و سرنگونی سریعتر رژیم بر جای نخواهد نهاد.

در انتها نیز خمینی طنز خاصی خود را بکار نمیگیرد. تا اندکی وزیران هراسان و غمزه را بخنداند. در چند مورد خمینی موفق میشود مثلاً "انجا که میگوید "فردا -

بگین هم سلامشان میشود و شایسته است یا آقای کارتر هم جزوا سلامشان است" تمامی وزیران را به خنده و امیدواران ما طنز اصلی نطق خمینی هیچکدام از وزیران را بخنده و امیدواران ما خمینی میگوید "ما نباید متوقع باشیم روزنامه های آمریکا و کسان دیگر برای ما چیزهای خوب بنویسند. خوب آنها رفته اند از زمین، منافعشان از دست رفته است. خوب کسی که تمام منافعش را شما از دست گرفته اید، ملت ما (منظور شما همان رژیم جمهوری اسلامی است) همه منافع آمریکا را گرفته اند لان یکشا هی ندارد. یک سیرت نیست نمیتواند از اینجا ما در کند و... بله این نکات طنزهای اصلی خمینی اند، طنزهای و قیحا نه ای که قصد دارد به میلیونها دلار معاملات اسلحه های آمریکا، به ورود سیل آسای فرآورده ها و تولیدات آمریکا، مبریا لیستی، بر اشباع بازارهای ایران از کالاهای "غرب" و زود بوند های با شیطان بزرگ برده بیفکند. طنزهای بیگانه گریه نتوانست وزیران را بخنداند اما توده ها را به ریشخند و امیدوار و خوشامد کیشان را فرزندتر خواهد ساخت. طنزهای سیاه یک دیکتاتور!

گزارشی از شکنجه های وحشیانه... بقیه از ۵

مختلف بدنشان سوخته بود، از روی شفاط سوختگی چنین بنظر میرسید که با سیکار - بدن آنان را سوزانده اند. جسدهای از شهدا از ناحیه زانو مورتور و کبود و استخوان زانو کشته بنظر میرسید تعداد شکنجه شدگان حدود ۱۰ نفر بودند. لباس شهدا مندرس و پاره پاره بود یکی از مسئولین پزشکی قانونی تا گهان متوجه پای یکی از اسرا در زندگان شد که بشدت کبود بود و آثار سوختگی در کف پا و ساق پا دیده میشد از شدت تاشربای شهید را بلند کرد و فریاد زد: این اسلام و انسا نیست خمینی است.

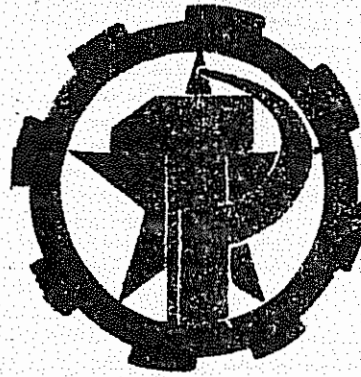
مردم چه میگویند؟ مردم...

هم بدتر شده "خانم من پشت سرم را داده حرفهای او گفت" دیگه جقدر طاقت بیاوریم این همه فشا بر مردم وارد میشه از بنظر فگرانی و بدبختی از آنطرف هم بچه ها مون را بگیرند میرند زندون، زخمی بکش با هزاری بدبختی چون بزرگ کن بعد این کشتارها بگیرند و بکشند "ودرها لیکه نفس تازه میگردانم که کرد" چند روز پیش آمدن پرسیکی از دوستا مون بودند هیچ مدرکی و روزنامه ای بردند و اینها و وقت میگویند ما هیچکس را بدون دلیل نمیگیریم از اون بالا بی شون بگیرتا با شینی شون همه بگردد خون هستن و بمردم کک می زنند پروها از اسرائیل اسلحه میگیرند و میگویند مرگ بر آمریکا بپول نفت ما گلوه میخورد و با آن سینه جوانهای ما را سوراخ سوراخ میکنند "بیزن با حرارت واقعیاتی را که در رجا رب روزمره اش بدرستی در ک کرده بود با زگو میگرد و تمامی جمع آنها - تا شید میگردند، توگوئی سخنان خود را از زبان او میشنوند.

از جنگ ارتجاعی زحمتکشان بیزارند دو میلیون آواره، نان، مسکن ندارند

نقل از :

شماره ۵



خروش

نشریه هواداران

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران - شماره ۵

میشود با انبوهی از بهترین فرزندان خلق که بیش از چهل نفر بودند و بررو می‌شود و زمانی که جسد فرزندش را با نشان میدهند با جسدی با دکرده و سیاه و خونین و سینه سوخته رو برو می‌شود. در همین زمان خانواده یکی از شهدا فریاد سرمیده‌ها که "مردم بیا شید، ببینید که چگونه فرزندان شما را شکنجه و تیرباران کرده‌اند" در همین موقع دژخیمان از ترس درها را بسته و از تحویل اجساد خودداری میکنند. - وابستگان شهدا به افشاگری دست میزنند و هر آنچه را که دیده بودند برای مردم بازگو می‌کنند برای مثال یکی میگفت "بدن فرزندان شما را سوزانده و بگردن آنها طناب انداخته و آنقدر کشیده‌اند که صورتشان سیاه و با دکرده شده بود." دیگری میگفت "بیضه‌های سه تن از آنان را بقدری با سم بیجا نه - اند که نتوانسته بودند آثار آنرا از زمین بپزند و پدربیکی از آنان سیم را بسا خودش بیرون آورده و نشان میداد." بطور نمونه مجاهد شهیدنا مرزوی طلب را چنان شکنجه کرده بودند که استخوانهای کتف با پیش بوضوح دیده میشد. بعد از آن - مزدوران حزب الهی به خانوادها شهدا حمله کرده و آنان را به با دقش و ناسزا می‌گیرند و حتی مادربیکی از شهدا را بشت مجروح میکنند. بعد از این جریان به قبرستان رفته و در آنجا با قوسا طور و سوار بر موتور و ماشین در حالیکه خوشحالی میکردند شعار میدادند "اعدام انقلابی مورد تا شید ما ست" و از به خاک سپردن اجساد جلوگیری می‌نمودند. مزدوران جنایتکار حتی از انداختن سنگ بزروی قبر آنان جلوگیری کرده و به سنگ - تراشان اعلام کرده‌اند در صورت تراشیدن سنگ با زدا شت میشوند و حتی اجازه اینکه نشانی بر مزار آنان گذاشته شود نمیدهند و هر روز قبرستان را بوسیله مزدوران - حزب الهی محاصره کرده تا کسی بر مزار آنان تجمع ننماید. اما چه سود! هر چه میخواهند بکشند زیرا با شهادت هرا انقلابی صدها انقلابی بسا خواهند خواست و سرا انجام روزانتقام خلق فرا خواهد رسید و دیگری نخواهد شید که خلق قهرمان ایران انتقام خون تک فرزندان را از مزدوران حاکم خواهد گرفت.

در سیاهچالهای رژیم چه می‌گذرد؟

هموطنان مبارز هم اکنون در زندان "ظالم آباد" شیراز بیش از ۵۰۰ تن از نیروهای انقلابی در - شرایطی بس دشوار بسر می‌برند و جان نشان هر لحظه در خطر است در چند هفته گذشته در شیراز شاهد اعدام بیش از ۸۰ نفر از بهترین فرزندان خلق بودیم قهرمانانی که تا آخرین دم از - منافق خلق دفاع کرده و شهادت را با آغوش باز پذیرا شده‌اند. جلادان رژیم حاکم به سنگ ساواک فقط به خانواده شهدا اطلاع میدهند که برای تحویل اجساد فرزندان خود بدون سروصدا به پزشک قانونی مراجعه کرده و بیشتر ما نه از آن با زاء هر تیسر ۸۰۰ تومان نازمست طلب میکنند. روز سه شنبه ۶۰/۶/۲۳ زمانی که خانواده شهدا جهت گرفتن اجساد فرزندان خود به پزشک قانونی مراجعه میکنند با اجساد کبک شده و خون آلود فرزندان نشان مواجه گردیده و سیاه سرما به نیز اعلام میکنند در صورتیکه سروصدا راه نیندازد اجساد را بسا تحویل میدهم. مزدوران حتی اجازه گریه کردن را هم به ما دران پیرانی عزیزان نمیدهند. هنگامی که پدربیکی از شهدا برای تحویل گرفتن جسد فرزندش وارد پزشکی قانونی

حیله جدید رژیم جهت کنترل جنگزدگان

چندی پیش مزدوران سرما به برای اینکه بتوانند قدرت و آماجنگزدگان را بیشتر کنترل کرده و خوابگاه را تبدیل به زندان جنگزدگان کنند، نقشه‌ای کشیده تا از این طریق سیاستهای پلید خود را به اجرا بگذارند. جریان بدین قرار بوده که شخصی تلفنی به خوابگاه جنگزدگان واقع در بیست متری تماس گرفته و می‌گوید "بسمی در خوابگاه کار گذاشته شده است. مسئول خوابگاه با هوو جنگال همه را بسا خبر کرده و جنگزدگان مستقر در خوابگاه پس از شنیدن خبر سرا سینه بخیا بان - میریزند و وحشت عجیبی همه را فرا - منگیرد. بسا ما موران کشف بمب! وارد مفرکه شده و بسا از بررسی خوابگاه میگویند که هیچ خبری نیست و خطر رفع گردیده. به دنبال این جریان مسئول خوابگاه - میگوید برای جلوگیری از وقوع حادثه هر شب بعد از ساعت ۹ در خوابگاه را قفل میکنم. طرح این مسئله با مخالفت شدید جنگزدگان رو برو می‌شود. منظور مزدوران سرما به از اینگونه اعمال آنست که نا بخش این جور شایعات و اینکه نیروهای انقلابی در اماکن عمومی بمب! گذاری می‌کنند، ذهنیت مردم را نسبت به نیروهای انقلابی بدبین کرده و همچنین به بیانه بمب! (بخوان اعلامیه) ساکنین خوابگاهها را با زرسی و سپس بدلیل عدم امنیت آنان را بار دوگاه جنگزدگان که از جدا قل رفاه برخوردار نیست روانه کنند. اما بقول یکی از جنگزدگان "کور خوانده‌اند."

از وضعیت وی خبری در دست نیست و احتمال می‌رود که مزدوران او را نیز شهادت رسانده باشند

* چندی پیش جسد دو نفر که به طرز فجیعی شهادت رسیده بودند در با غهای اطراف جهرم توسط مردم پیدا میشود. این دو نفر که یکی را ننده تا کسی و دیگری کارگر بنا بوده است توسط مزدوران سرما به که خود را گروه توحید می‌نامند بشهادت میرسانند. جنایتکاران مزدور را ابتدا آنان را شکنجه کرده و بسا از آن به جدیدی نشان طبق اظهارات پزشک قانونی برای رد کم کردن شلیک میکنند. افراد این گروه چند روز پیش توسط شهر بانی دستگیر

بقیه در صفحه ۱۲

جهرم

* در پی اعدام نا جوان مردانه فدائیی خلق عظیم سرعتی که چندی پیش در جهرم صورت گرفت، سیاه سرما به بسا نه روز در پی دستگیری برادر فدائیی شهید بوده و سرانجام در تاریخ ۶۰/۵/۲۷ او را در نزدیکی خانه یکی از فامیلهایش دیده و بطرف او پیورش برده و بسا از شلیک چند تیروی را دستگیر و بزرگ فوجی کسه اعتراض مردم را کما مل "برانگیخته شود به سیاه برده میشود و در نماز جمعه نیز حزب الهی ها خواستار اعدام وی می‌گردند.

رهبری طبقه کارگران و پیروزی مبارزات ضد امپریالیستی - دموکراتیک خلقهای ایران است

اخبار شهرستانها

اخباری از شهرستان قزوین

روز ۶۰/۵/۸۵ در محله ولی عصر خدما - قزوین، شهرداری برای احداث خیابان - تصمیم گرفت قسمتی از زمین یک کشا ورز زحمتکش (سبزیکار) را بزروارا بگیرد، ما مورین شهرداری، ولدآبادی و وزیرآبادی برای گرفتن زمین به او مراجعه کردند. سبزیکار ربا شنیدن این خبر شدیدا عصبانی شد و گفت چگونه است که از زمینهای سید - جوادى که تمام منطقه را رد نمیکیرید چون او به شما رشوه داده، ولدآبادی بسا خونسردى گفت: وقت شستمان که رشوه گرفتیم خا لام هرکس زورش بیشتر باشد برنده میشود. سپس سبزیکار بنا چند نفر از افراد شهرداری را که رشوه گرفته بودند از جمله خدا دا دبرشرد و گفت مگر همین بسرفها توى خيابان داندميزند؟ کسی که روى زمین کار میکند مالک زمین است پس چرا زمین مرا که از صبح تا غروب رویش کار مى کنم مى خواهد بگیريد، با یدار زورى جسد من رد شود تا زمین مرا بگیريد، با یدار شد مرا تیرباران کنید ولى زمین را نمیدم

دوم تیرماه سال جاری نشتى از سوى ما حبان کارخانجات آردسازى (قشبرى) از مرتجعین وابسته به حزب جمهوری و نمابنده تمام لاختیار استان راى و نمابنده فرما ندا ر شهرستان قزوین و نمابنده - جهاد سازندگی و همچنین سا زمان عمران و سا زمان تعاون روستائى شهرستان قزوین تشکیل شد و تصمیم گرفتند تمام اراضی را وادار به تحویل گندم به اداره غله نما یند، و چنانچه زارعی گندم خود را تحویل ندهد حق تقاضای کود شمیائى نداد و طوى ناما شه ۸۵/۶/۲۴ مورخ ۶۵۱/۱۸۰۸ مورخ ۶/۲۴ ع حق فروش گندم خود را در بازار آزاد ندارد و حتى اعلام شده که اگر چنین موردی مشاهده شود فروشنده و خریدار ربا ید فوراً دستگیر و تحویل با سگا های ژاندارمرى شوند.

رژیم رزیکوگندم را بسیار از رزان کشا ورزان میخرد و از سوى دیگر با ارباب و تهدید ما نفع فروش آزاد گندم میگردد. اما اینگونه فشارها و تهدیدات قادر نیست این بخش از زحمتکشان میهنمان را وادار به تسلیم نماید و آنان با مقاومت خود در مقابل رژیم ترور و سرکوب، به حقوق حقش خویش دست خواهد هندیافت.

رژیم حتى برای مقابله با روستائیان بقیه در صفحه ۱۶

گیلان

روز دوشنبه ۶۰/۵/۲۵ معا ون وزارت کشا ورزى اعلام کرد برنج درجه یک گیلان از برنجکاران به قیمت هر کیلو ۱۵/۵ ریال خریدارى میشود.

همراه با اعلام این خبر گفته شد که قیمت برنج پرداختى امسال توسط دولت ۲۵٪ از سال قبل بیشتر است. ظاهرا این اضافه پرداخت مى بايست جبران کننده تورم بی مهارى مرفعى باشد اما تورم کنونى در مورد اکثر کاشکارهاى مرفعى رقمى در حدود ۲۰۰٪ مى با شد و هزینه ما بحتاج عمومى رسام آوراست

قیمت قند و شکر و چای و روغن و گوشت اکثر اچندبیرا بر رنده است بعلاوه قیمت کود و بذر و سموم شیمیائى را کشا ورزان با

قیمت بسیار تهیه کرده اند حال رژیم می خواهد زکشا ورزان زحمتکش برنج را با افزایش قیمت ۲۵٪ بخرد و تهدید کند کرده که دولت مقدارى برنج از خسارچ وادرمى کند تا با این تهدیدات تخمینى سرما به دارانه برای تحویل برنج به دولت وجود داشته باشد.

زحمتکشان آگاه و انقلابى:

با اتحاد انقلابى خود و تشکیل شوراهاى واقعى در مقابل سياستهای ضد خلقى رژیم ایستا دگى کنید. قیمت مناسب برای برنج را خود در شوراها یتان تعیین و تا خرید برنج با قیمت از فروش برنج به دولت خود داری کنید. در اطراف ایستگاه مسکله و تاج و آشکارا دولت به حقوق کشا ورزان، سا بزرگ زحمتکشان را از وضع خود آگاه کرده و آنها را به کمک طلبید. تنها در اتحاد آگاهان شماست که رژیم وادار به تسلیم خواهد شد.

میکنند و شما بیه پراکنى میکنند و از مردم خواسته که آنها را معرفی کنند.

طبق گزارشات رسیده آموزش و پرورش کرمانشا ه در صد دیک تصویب گسترده در سطح معلمین است یکی از مدیران مدارس گفته است که ما مى ۲۰۰ نفر را برای تصفیه به هیئت تصفیه فرستاده اند ۱۴۰ نفر را علاوه بر تصفیه به دارا ها انقلاب معرفی کرده اند. در هفته گذشته نیز ۷۰ نفر را تصفیه کرده اند و از دانشجویان بومی دعوت شده تا برای کار به آموزش و پرورش مراجعه نمایند. اساسا هر معلمی که گرایش سیاسى دارد از دم تیغ تصفیه گذرانده میشود حتى هواداران حزب خائى توده و اکثریت مشمول این تصفیه ها هستند.

رژیم جمهوری سلامى تصور میکند که با تصفیه و پاکسازى میتواند از رشد جنبش انقلابى جلوگیری کند اما نه تنها این اعمال مانع رشد مبارزات توده ها نمیشود بلکه مبارزات آنان خرا تشدید کرده و لحظه سرنگونى رژیم را نزدیکتر میسازد

کرمانشا ه: قصر شیرین

عده اى از سرما به داران قصر شیرین اقدام به خرید خانه و مغازه و آوارگان بدرقصر شیرین نموده اند. آوارگان این منطقه بخاطر فشارهاى اقتصادى از آنجا که شدیداً در تنگنا قرار دارند اخیراً شروع به فروش آخرین ما یمت خود نموده اند و حال آنکه این زحمتکشان با ید محدود و متشکل شده و دولت را وادار سازند تا احتیاجات اولیه آنان را فراهم سازد و به هیچ وجه جانیسه وکاشانه خود را به سرما به داران زالوصفت نفروشد تا پس از جنگ مجبور با شده مان خانه ها را از آنان اجاره نمایند.

بهداشت - مسکن و نان برای آوارگان - تامین با ید گردد

پس از ترور و بطحى دارا ها انقلاب - کرمانشا ه علامیه اى خطاب به تاسکیرانان صادر نموده و متذکر شده است که با رهاى از آنان اقداماتى علیه جمهوری اسلامى

کارگران، مبارزان و خاندانهاى مبارزى!

تا با سازگشتت همکاران خود و به سربازان مبارزات خود تکلیف اقامت نمید

کارگرى انبجمن اسلامى ادامه دهید

سرکوب سوزجى جمهوری اسلامى، زندانبانان و انقلابى پس
بندى سوزجى تکلیف مجلس مؤسسان

تا با سوزجى اسلامى جهانى سرکوبگى انبجمن اسلامى
و با سوزجى اسلامى

موا داران سازمان چریکهای فدائی خلق ایران - کرمانشا ه
(کارگران بهرور)

۳۱۰/۸۷

اخراج ۲۵۰ نفر از کارگران کارخانه

مبارزه، مسازى که به بهانه نماندن تصویب کرده است، بدانکه

مبارزه علیه سوزجى و رژیم و سوزجى

سرکوب سوزجى جمهوری اسلامى، زندانبانان و انقلابى پس
بندى سوزجى تکلیف مجلس مؤسسان

سرکوب سوزجى اسلامى جهانى سرکوبگى انبجمن اسلامى
و با سوزجى اسلامى

موا داران سازمان چریکهای فدائی خلق ایران - کرمانشا ه
(کارگران بهرور)

۳۱۰/۸۷

پیش بسوی تشکیل حزب طبقه کارگر

اخبار شهرستانها

اخباری از شهرستان قزوین

بقیه از صفحه ۱۵

از ترمیم و پرست آسبابها جلوگیری میکنند مثلاً در آبیک و همچنین آبگرم همدان قریه و فرجین - بیشتیان ، نجفآباد و آسیان از قراء تا بعه تا کستان طبق دستور کمیته - ها و ایادی حزب - هوری اسلامی وانجمن - های اسلامی به این جیلده متوسل شده اند تا روستایان را وادار به تحویل گندم - سازند.

✽ اخیراً در اداره آموزش و پرورش - قزوین مجدداً دست به اخراج معلمین آگاه دوره ابتدائی، را هنگامی و دبیرستان زده است. هجرتی و همبالیگی اش چگنی معلمین را به دلیل از جمله برخورد با مدیر مدرسه و تن ندادن به جاسوسی اخراج میکنند. چگنی مزدور هنگامیکه پس از قیام، به ریاست دانشسرای را هنگامی انتخاب شده، معلمین مبارزان را از دانشسرا اخراج کرد و

حلفا

در تاریخ ۶۰/۴/۲۰ کارگران روز مزد انبارهای عمومی حلفا که شش ماه است حقوق دریاقت نگرده اند طی تجمعی - خواستار پرداخت حقوق شش ماهه خود شدند احدی نژاد (سرما به دار) و نما یبنده نخست وزیرى همچنین بخشدار حلفا در محل حاضر شده و شروع به تهدید کارگران - کردند کارگران که تعدادشان ۴۰ نفر بود همگی با مشت های گره کرده و یک صدا و متحد خواستار حقوقشان بودند. احدی - نژاد می گفت: شما اعتصاب کردید، دستگاه - ها را خوابانده اید منتهی به نخست وزیرى گزارش کرده اید شما ها اصلاً نمیدانید چکار میکنند صدا بستان را ضبط کرده اند، از شما فیلم برداری نموده اند و خلاصه با این حرفها میخواست روحیه انقلابی کارگران را تضعیف کند اما کارگران انبیا ریسا خمینی بیشتر فریاد زدند اما حتی کرایسه آمدورفتند ناریم چرا تا بحال حقوق ما را

اکنون که به معاونت آموزش و پرورش - منصوب شده میخواهد خوش خدمتی ها ی گذشته - اش را کسترش دهد.

مدیریک مدرسه را هنگامی می گفت: "حق مدیریت را از من سلب کرده اند فقط به این دلیل که چرا توهین معلمی را معرفی نگردانم ای من در جواب با آنها گفتم آریسا شما مرا برای مدیریت مدرسه فرستاده - بودید یا بعنوان ما مورا واک؟"

وهجرتی چه زود فراموش کرده که در مقطع قیام در خانه اش مخفی شده بود تا میاد - آسیبی ببیند و هنگامیکه بدنبال مبارزات قهرمانان تا خلق و از جمله اعتصابات سراسری معلمین یعنی همین معلمینی که سراسر توسط این مزدوران اخراج میشوند رژیم مزدور شاه سرنگون شد، این تازه بقدرت خردگان انقلابی شده اند و انقلابیون و مبارزان را ضداً انقلاب مینامند، اما دبیری نخواهد بود که این مزدوران به همراه - رژیم جمهوری اسلامی به دست توانای خلق به گورستان تاریخ سپرده شوند.

نپرداخته اید در این موقع بخشدار گفت دو نفر نما یبنده بفرستید تا ما رسیدگی کنیم کارگران همگی گفتند ما تا بحال چندین مرتبه نما یبنده از خودمان و از - اداره ها گرفتار شده ایم ولی هیچتا شیری نداشته فقط ۲۰۰ تومان مساعده داده - اید. احدی نژاد سرکار را گرفتار زد و گفت مگر مساعده نداده اید و بدید که به کارگران - گفتیم نفری دوهزار تومان بگیرید و لوسی کارگران نگرفتند کارگران سرکار را که یک اکثریتی خائن و حامی احدی - نژاد سرما به دار است محکوم کردند و گفتند چرا دروغ میگوئی. احدی نژاد میخواست هر چه زودتر از مهلکه فرار کند کارگران - فریاد زدند جلوی دفتر و پنجره ها را بگیرید و نگذارید فرار کنند و دورا گرفتند و شش نفر از کارگران به همراه او و بخشدار برای تمفیه حساب به بخشداری رفتند این تجربه به کارگران آموخت که تنها در - اتحادیه خود حق دارند به خواستهای خود تحقق بخشند

اصفهان

اوضاع شهر بیشتر در حالت خفقان و وحشت است. کوچکترین سخنی در رابطه با آزادیها کتک و فحش و تا سزا از طرف غداره - بندان حزب یا سخنان ده میشود. میدان - انقلاب را بخاطر تجمع جنگزدگان میدان - ضداً انقلاب نامیده اند. خوزستانی ها را بخاطر اعتراضشان نسبت به اوضاع جمعاً " ضداً انقلاب میگویند. اعتقاد نسبت به افراد سلب شده است هر کس فکر میکند طرف مقابل جاسوس است. درجا شیکه کار می کنند ۱۲ - کارگر وجود دارد که اکثر آنها " نشان یا لاتر از ۳ سال است. چند روز اول فکر میکنند و ابسته به دولت هستند بعداً " به من اعتماد کردند و درودل ها ایشان را با من گفتند هر روز حدود نیم ساعت با هم صحبت میکنیم و این نمونه ای است از گفتگوها که انجام میشود.

کارگری که حدود چهار سال در دبسا حالتی خشمگین گفت "بدر سوخته ها دیروز کارگری که به ترک موتور بنا سوار بود در خیابان فرح آباد وسیله شلیک پا ساری کشته شد (۶۰/۵/۲۱) آدم خوبی بود، میشنا - ختمش صبح امده بود که برای زنی فرزندش - نان در بیابا ورد. بپشرفها وقتی مردم جمع شدند پا ساریا اسلحه در دست میگفت او - ضداً سلام بود کشتنش آخه کسی نیست بگه این وضعی. مملکت نه رئیس داره نه کسی که به اون شگایت بکنی. کارگردومی گفت آخه اینا که شرف ندارند وقتی دختر سیزده ساله را از اعدا میکنند آخه اینا مسلمان - نیستند آبروی اسلام را بردن کارگران نی گفت خوب از کجا معلوم همین اسلام باشه و ما خبر نداشته با شیم. کارگری که همیشه سرکار فرغ کردن کار میکنند با حالتی عصیان می گفت این هندی زاده که آمد و گفت نه پول آب نه برق نه نفت نه مالیات هیجی ندهین جالبه چیز سه برابری شده من از اول میدونستم که اینا هیچ کاری نمیکند و از اول بهشون رای ندا دم دورا هیپا می - شون شرکت نکردم سئوال کردم به راجا شی رای دادی گفت نه اگر کردند نما بزن رای - توی دهم اینا فقط دنبال مقام هستن این که از مملکت داری چیزی سرش نمیشه و ن از رفسنجانی، بخدا قسم و ایل انقلاب که آمداد خل تلویزیون آدم شرمش میشد به صورتش نگاه کنه حالگردنش به اندازه سینا - اش ندانم این شمره خون من و تو که می خوره و جاق و چله میشه منی که روزی ده - ساعت کار میکنم در این میان صدای تیری آمدیکی از بچه ها گفت با زبا سارا رها آمدند بلندشون برویم سرکاران این مینگن ضداً انقلابی.

مردم را آگاه قدهم شیمو پین!

از نیروی انسانی عربده بجهای نازل گردانی کهند. دولت سوز فلان، مسکن و اماکانا رها می یابند.

به اتحاد پیروان را بپیم: حقوقی انحصاری

خود را از چند گره ژوپیر حاهمی

بوسر ما پیه و اولن بی پیرون یک کشیمید

سرک پر حزب جمهوری اسلامی، زنده بساد عسور اما ای انقلابی بیس بیسوی تمکول مجلس مؤسسان.

سرک پر حزب مسلمانی بسرکردگی انبیا الهیسم آسیرکسا و با آگشا و ناظیس.

موا داران سازمان چریکهای فدائی خلق ایران - کرمانشا

۱۳۶۰/۷/۲۲

ت.ش. ۱۱

کارگران از خود قسی پیرو بیخند:

بوسلی که جیت وام مسکن از آنها گرفته عده سوزانی همکال کیا رفته است. بسودی که اونرکت نما و نس بدست می آید به جیب چه کاسی مهوره؟ سوزکا رها نه که قلمچه رحمت عبا نه روزی کارگران است چه مقدار و منصب چه کاسی می شود؟

سرک پر حزب جمهوری اسلامی، زنده بساد عسور اما ای انقلابی بیس بیسوی تمکول مجلس مؤسسان.

سرک پر حزب مسلمانی بسرکردگی انبیا الهیسم آسیرکسا و با آگشا و ناظیس.

موا داران سازمان چریکهای فدائی خلق ایران - کرمانشا

۱۳۶۰/۷/۲۲

ت.ش. ۱۱ (کارگران مهوره)

مبارزه ضد امپریالیستی از مبارزه برای دموکراسی جدا نیست

رهجوم وحشیانه سرکوبگران

رفیق مسعود جعفرپور

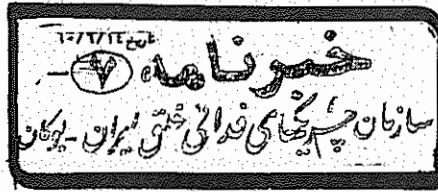
پس از دستگیری به شهادت رسید
میوان

رزاب - ۶۰/۵/۲۸ - در یک هجوم وحشیانه مزدوران رژیم به روستا های ، با نقاه ، رزآب ، کراباد ، بیشمرگان قهرمان فدایی و دمکرات به مقابله با آنها و دفاع مردم زخمکش روستا های مذکور بر می نیزند ، دشمن در این حمله زنا نگه و توب و سلحه های مختلف استفاده کرده و مزارع - روستا های اطراف را به آتش کشید ، در این راه گریزی بیش از ۳۰ نفر از دشمن کشته و یک نود و چاه مل مزدوران و کالیبر ۵۰ در حال عقب نشینی به یک مین که توسط بیشمرگان یا رگذاخته شده بود بر خورد میکنند و در اثر تفت ز زمین منهدم میشود سر نشینان آن تمام " تا بود میشوند . در این درگیری یکی از رفقای فدایی بنام مسعود جعفرپور محاصره و توسط مزدوران دستگیر میشود روز بعد او را در سروآب دیدن و محاکمه یا اعمال شکنجه های وحشیانه به شهادت میرسانند . در هنگام شکنجه و شهادت رفیق روستا نشینی که در اطراف ناظروا قعه بودند از روحیه جنگندگی او در مقابل سلسل یا سدا ران سرما به و خونریزی با تعجب و تحسین یا دمیگردنگه رفیق تا یای جان رتا آخرین لحظات حیات قهرمانان را همچون دیگر رفقای شهید فدایی یا شاعر - های انقلابی درود بر فدائی و مرگ بر سرکوبگران در مقابل با سدا ران مزدور ایستادگی میکرد و بقول خود رفیق قهرمان در آخرین لحظات زندگی افتخار آفرین خود می گفته است : " رژیم با کشتن من و مثال من نمیتواند خود را نجات و حاکمیت نود را تثبیت کند " .

در حالیکه با سر نیزه پیکر رفیق را - بورا خ سوراخ کرده بودند با شلیک حدود ۳۰ گلوله رفیق را به شهادت میرسانند .

با دش گرامی و راه سرخش پیروز باد ، رفیق فدایی و ازبیت فدایی و اربیه شهادت رسید ، به خونت سوگند رفیق ، که راهت را داد ما میبدهیم و انتقام خون توو دیگسر انقلابیون را خواهیم گرفت .

با ودا ن با دیا فدایی شهید رفیق مسعود جعفرپور .



متن وصیتنامه

رفیق مسعود جعفرپور

خطاب به تمام می مبارزین راه آزادی زحمتکشان ، به ما زمان پرافتخار چریکهای فدائی خلق ایران ، به خانواده ام . سلام مرا که آفرین سلام ز کردستان خونین است بپذیرا بشید .

در پیدا دگا جلا دادن جمهوری اسلامی مرا محکوم به اعدا نموده اند . البته بدون - محاکمه ولی از این رژیم که حا می سرما به - داران است بیش از این انتظار نیست . با کشتن ما رژیم نمیتواند حاکمیت خود را تثبیت نماید بلکه قطره خون دیگری به دریای بیکران خلق خواهد افزود گسسه بنیان ستوا ستها را برخواهد گند .

مبارزهای که امروز در سرا سرایران اوج گرفته است مبارزهای است بین دو طبقه زحمتکشان و سرما به داران ، این قهرمان اعمال ضد خلقی سرما به داران است که هر روز مبارزین فدائی و سایر رزمندگان را به خون میکشند من بخاطر دفاع از خلق ستم دیده گردیدم بخاطر انسانیت ، بخاطر استقلال و آزادی کارگران و زحمتکشان و به جرم مبارزه علیه مزدوران سرما به محکوم به اعدا شده ام موا بین راه را بسا افتخار تا به اینجای رسیده ام و به تمام می رفقا میبیا میدهم که در راه آزادی خلق و خون شهدایان یا برجا و مقاوم باشنید . روزی خواهد رسید که ستاره سرخ سما نشان را پر نور نماید .

در خاتمه به خانواده ام به ما در پیام میدهم که نا رحت نباشید و شهادت مسرا بپذیرا شوید ، خواهران و برادران من در ضمن ودا غبه مبارزه می خوانم ، شما با ید درک نموده باشید که این رژیم چه ماهیتی دارد و با این درک از مبارزه خلق برای شهادت من تا راحت نخواهید شد . موفق باشید .

مردم چه میگویند؟

مردم چه میخواهند؟

صبح زود که در صف نا نوایی ایستاده بودم ، صف طولی چند متر از نظر فتر نظر افرا دی را که منتظران بودند جلب کرده بود . صف برای گرفتن کیسول گا زبوند . گفتم " همه اش صف ، صف ، یا دش بخیر چه وعده و وعده های میدادند ، میگفتند سهم نعت را میا و رژیم در خونه میدیم " بغسل دستم که زن جوانی بود گفت " خانم جون - خیلی چیزها میگفتند : آب مفتی ، برق - مفتی ، همه چی ارزون و فراون ، همه خونه - دار میشن ... پس کو؟ همه اش وعده و وعده بود میدویدند چرا برای اینکه توی فرانسدم جمهوری سلامی را انتخاب کنیم " خانم منی که پشت سر من ایستاده بود گفت " بریدند آنها را نگاه کنید ، پره بیچه های ۱۲ - ۱۳ سال رومی برندا عدا می کنند میدویدند چرا ؟ چیه ؟ بخاطر اینکسسه استمان را نگفتند ، فکر میکنند این راه اسلام است که اینها میروند ؟ نه به پیر ، نه به پینمبر " زن دیگری که چادرش را از پس شسته بود گاملا " رنگ و رو رفته بود گفت " این انتخابات ها همه کلاه شرعی است اینها خودتون قیلا" توی مجلس رئیس - جمهور را انتخاب میکنند " وزن دیگری - جواب داد " همه شون مثل همدیگه هم مثل بنی صدر آمریکا یی از آب در میآیند ، اینها هم بدر طبقه پایین نمی رسند اگر برسند که اینهمه مردم رو علاف نمیکنند (در این حال به صف گا زاشا ر کردم) ز زمان شاه بقیه در صفحه ۱۴

و ارتباط بیش از سی روستا را با شهر قطع کرده اند و اکنون تمام محصولات روستایان در حال خراب شدن است . ما رژیم جمهوری اسلامی با پدید آمدن تجربیات دوسال و نیم گذشته در کردستان درک کرده باشید که هیچگونه فشاری نمیتواند ما تح پشیمانان مردم کردستان از فرزندان قهرمان و مسلحان شود .

مهاباد

۵۰/۵/۴ - با سدا ران جنا بتکا ربا تیراندازی های که برای مرعوب کردن مردم انجام دادند یک کودک را که در آغوش مادرش بود به شهادت رساندند این جنایت در نزدیکی بمب بنزین بوقوع پیوست . این هم نمونه ای دیگر از زهاران نمونسه جنایات مزدوران رژیم جمهوری سلامی که داعیه دفاع از مستضعفین می کنند .

مردم مها با دبا روحیه ای بالاییه مقاومت خود را می میدهند . تمام تلاش رژیم برای درهم شکستن روحیه مردم مها با دبا شکست روبرو شده است .

دانش آموزان انقلابی اکنون بطور آشکار علیه مسئولین و معلمین تحمیلی وکل سرکوبگران خلق کردا اعتراض میکنند سرود چندین مورد اعتراضی ، سرود خوانی و شعرا دادن ... در سطح شهر به چشم میخورد . دانش آموزان اغلب به خواندن سرود - شهی رفیق ، اشترنا سونال و ... میپردازند در این رابطه عده ای از دانش آموزان را اخراج کرده اند . همچنین شیبا مردم شهر به راهیمائی و پخش سرود ز پشت با صهای منزل میپردازند .

را دیودولتی با دروغی صدر مدکتی

تعداد دگشته از فدا انقلابیون !! را اعلام - میدارد . در حالیکه تنها یکی از بیشمرگان حزب دمکرات زخم سطحی برداشت . رژیم میخواهد با این دروغها خود را از نظر روحی تقویت کند .

سیندج (به نقل از خبرنامه جنوب)

مزدوران رژیم جمهوری سلامی بنا به ماهیت ضد خلقی و ارتجاعی خود دشمنی آشکار با توده های زحمتکشان دارند . در این رابطه جا شها و پاداران برای خوش خدمتی به سرما به داران گردن کلفت با زار هر روز جنایتی می آفرینند تا بلکه از سقوط خود جلوگیری نمایند . رژیم جمهوری سلامی کوشش می کند تا با فشار بر روی زحمتکشان و خلق کرد آنها را مجبور به تسلیم نموده و از حاکمیت آنها از بیشمرگان خلق کسرد جلوگیری نماید . در این رابطه خلق کنون فصل فروش میوه و محصولات کشاورزی است جا شها و پاداران جا ده سیندج چه حسن آباد و چند روستای دیگر را با بولدوزر خراب کرده

میوان (به نقل از خبرنامه جنوب)

۶۰/۵/۲۴ - سروآب - در این روز - حدود ۷۰۰ نفر از جا شها و پاداران به آبدادی سروآب حمله کردند . در این حمله نیرو - های سرکوبگر ۱۰۶ ، سه کالیبر ۵۰ و چهار رتانک همرا می میکرد . در ساعت ۸ بیشمرگان حزب دمکرات با آنها درگیر شدند و بعد از یک ساعت درگیری بیشمرگان فدایی به محل درگیری رسیدند . نیروهای رژیم بطور وحشیانه ای دهات اطراف را به توب و خمپاره بسته و مزارع را به آتش کشیدند . درگیری با شدت ادامه پیدا کرد و بیشمرگان مانع حرکت آنها به آبدیهای اطراف شدند .

در حدود ساعت ۴ بعد از ظهر بیشمرگان کومله نیز وارد درگیری شدند ، در اینسن درگیری دیدند که ۱۲ ساعت بطول انجام مید - تلفات سنگینی به دشمن سرکوبگر وارد آمد که از تعداد تلفات آنها خبر دقیقی در دست نیست . در حالی که تلفات -

سرکوبگران خلق کرد دشمن همه خلقهای ایران هستند

عملیات پیشمرگان فدائی بمناسبت سالگرد شهادت رفیق فدائی کاک قاسم معروفی و همزمانش

چهارشنبه ۶۰/۶/۱۲ - در این روز - چند دسته از پیشمرگان فدائی نقاطی ما بین پایگاههای ایران شاه و سخته در جاده سقز - سنندج را به کنترل خود در آورده و به کمین مزدوران رژیم جمهوری اسلامی می نشینند. در ساعت ۳/۵ بعد از ظهر نیروهای سرکوبگر جمهوری اسلامی به کمین افتاده و مورد حمله برق آسای - پیشمرگان قرار میگیرند. در ابتدا مزدوران رژیم به مقاومت مذبحا نه ای دست می زنند که آتش شدید پیشمرگان به مدت یک ساعت و اخطار از طریق بلندگوها آنها را وادار به تسلیم می نماید. پیشمرگان فدائی در حالیکه سه هلیکوپتر یکم سرکوبگران آمده بود و مشغول پیاپی ده کردن نیرو در منطقه بودند با آتش زدن یک ریوی رتشی و بدست آوردن مقادیری اسلحه و مهمات

خبرنامه سازمان چریکهای فدائی خلق ایران - پیکان

و تعدادی اسیر از منطقه عقب نشینی میکنند. در این عملیات ۷ نفر اسیر و ۵ نفر از مزدوران کشته شدند. همچنین یک قبضه تیرباری - ۳، یک قبضه نارنجک انداز، ۵ قبضه ژ - ۳ و یک دستگاه بی سیم گروهی بدست پیشمرگان افتاد. دوشن آسیران که زخمی بودند شبانه به یوکان منتقل و مورد مداوا قرار گرفتند.
پیشمرگان بدون هیچگونه آسیبی از منطقه عملیات خارج شده و در روستاهای مسررا، مورد استقبال گرم و پر شور مردم قرار گرفتند.
این عملیات به مناسبت یکمین سال شهادت رفیق فدائی کاک قاسم معروفی و همزمانش ابوبکر ارمان و مصطفی شمس الدین است که سال گذشته در درگیری - دارسان و (دارسان وین) بشهادت رسیدند انجام گرفت.

درسقرچه می گذرد؟

۶۰/۶/۵ - ساعت ۶ بعد از ظهر پیشمرگان کومله قسمتهاش از شهر سقز را به کنترل خود در آورده و با سداران و جاشها دیوانه و وا ربه هرواشی که صدای تیراندازی می آید شلیک میگردند. در این مدت پیشمرگان با استقبال مردم روبرو شده و در کوجهایی که پیشمرگان سنگر گرفته بودند مردم مبارز شهر سقز از فرزندان قهرمان خود پذیرای میگردند. در طول درگیری مردم شهر چهار چشمی مواظب پیشمرگان بودند و هر خبری که به نظرشان مفید بود به پیشمرگان می رسانیدند و جوانان و کودکان شهر برای پیشمرگان کشتک میدادند و در حال فعلیت و پخش خبر در میان نیند خبر بودند. با اینکه پیشمرگان ساعت ۸/۳۰ شب از شهر خارج شده بودند منتهی ارتش و پاسداران و جاشها تا ساعت ۴ با مدا ۶۰/۶/۶ شهر را با مسلسل و خمپاره و توپ کوبیدند که بر اثر پرتاب خمپاره به داخل چندین خانه مسکونی آسیب وارد شد که زلفات جانی اطلاعاتی در دست نیست.

صبح جمعه موجود دستگیریهایی و خانه گردی توسط پاسداران سرما به جاشهای مزدور شروع شد، حتی بر بچه های ۱۲ ساله در آنجا نبودند. پاسداران به هر محلی که پاسبان میگذاشتند با ورود خود محیط را محاصره و جستجو می آوردند. با قنای تفنگ به در منازل میکوبیدند و مرتب تیراندازی میگردند. خلاصه مزدوران رژیم قصد داشتند در شهر حکومت نظامی بوجود آورده تا بسا خیال راحت تمام جوانان و ساکنین مردم رابه بهانه های واهی دستگیر کنند.
تا عصر جمعه حدود ۴۰۰ نفر از مردم - شهر را دستگیر کرده و با خود به زندان سپاه میبرند بطوریکه جاشهای برای زندانیان - تا ز وجود زندان است. کلیه آنها تها سپاه - حیاط زندان را دکان مملو از جوانان، نوجوانان، مردان و... شده بود.
روز شنبه و یکشنبه هم وضع بر همین منوال بود، با زار شهر را تعطیل کرده و زنان و دخترانی که برای خرید ما بحتاج خود به بازار میرفتند با سزا و فحشهای رنگین آنها را روانه خانه هایشان میکردند و حتی در مواردی به سوی آنها تیراندازی نموده و چندین نفر را زخمی کردند.
مفازهای ناتوایی که برای تأمین نان و صبحزودا قدامه پختن خمیر کرده - بودند پاسداران به روز آنها را بسته و خمیر را دور ریخته بودند. به گفته یک شاهد عینی جوانی که جلودرب خانه خود نشسته بود پاسداران و جاشها به او حمله کرده و او را با تمام قدرت کتک می زدند و یکی از جاشها با روی شکم و رقیقه به او میگفت زود باش بگو گلشن کجاست و بعد از - اینکه زکتک زدن خسته شده بودند او را - سوار ماشین کرده و با خود به زندان بردند. خلاصه در این مدت مزدوران رژیم بزبونی و ناتوانی خود را به نمايش گذاشته و مردم شهر را با تمام امکاناتی که در اختیار - داشتند مورد فشار قرار میدادند و مردم مبارز سقز در جواب تمام مقاومت و بی رحمی های این مزدوران فقط به آنها مسخره خندیدند. مردم قهرمان سقز علیرغم همه این فشارها با پشتیبانی بی دریغ خود از پیشمرگان خلق کردند تنگنای نزار - خودشان را نسبت به رژیم جمهوری اسلامی اعلام میدارند.

در عملیات سقز تعداد زیادی از مزدوران رژیم کشته و ۴۰۰ تن از آنان بدست پیشمرگان اسیر شدند.

تیراندازی به سوی خانواده زندانیان سیاسی مهاباد

۶۰/۶/۷ - در این روز جوانی ساعت ۱۰ صبح خانواده های زندانیان سیاسی که قبلاً به آنان خیر داده بودند که فرزندان - تا آن راه رومیه میبرند. در جلودر پیروی سپاه پاسداران تجمع کرده و خواستار ملاقات با فرزندان خود و فرستادن آنان به ارومیه بودند.
تا گهان بطور وحشیانه ای از سنگرهای واقع در پشت با میاه پاسداران به سوی مردم تیراندازی میشود، که موجب پراکنگی موقت جمعیت میشود. همینکه زندانیان را برای سوار شدن بسوی ماشینها میبردند و با وجودیکه به شدت از آنها مراقبت میشد ولی دوباره مردم (بخصوص خانواده زندانیان سیاسی) دور ماشینها گرفته و مانع بردن فرزندان خود میشدند و به این ترتیب مخالفت خود را با این شیوه جانی بیتکاراته که هدفی جز شکنجه زندانیان و اعدام آنها ندارد بیان نمودند. اما به خاطر تجمع بیش

سنندج

۶۰/۵/۲۶ - یکی از پیشمرگان فدائی که در یکی از روستاهای اطراف سنندج در حین انجام ماموریت بود بیک ماشین لندرورجها دبا اصطلاحاً زندگی برخورد می کند که ماشین مذکور را مصدوره انقلابی مینماید و سرنشینان آنرا که از کارگران روستایی بودند بعد از تحقق محل آزاد میشوند.

مهاباد

۶۰/۶/۳ - شب دوشنبه در این شب نیروهای جنبش مقاومت از کوههای طرف و روستاهای حومه مهاباد تها مجید (یکی از تپه های مهاباد) را به توپ و خمپاره بستند که زلفات جانی نیروهای سرکوبگر اطلاع دقیقی در دست نیست و کسی

نیروهای سرکوبگر شهر را خمپاره باران کردند که ۴ نفر شهید و عده ای نیز زخمی شدند.
۶۰/۶/۴ - در این روز جوانی ساعت ۶ صبح سنندج تها قاضی به محاصره پاسداران و جاشها در آمد و آنها تمام می خانه های این منطقه را به بهانه های پیشمرگان زار پنهان کرده اند مورد تفتیش قرار دادند که در یکی از خانه ها مقداری کتاب مربوط به حزب را پیدا و آتش میزنند لازم می آید آوری است که اکثر جوانانسی که در منزل بوده و اغلب در خواب بوده اند دستگیر و به سپاه برده میشوند. این عمل آنان مورد اعتراض شدید مردم واقع شده و مردم بخصوص زن و بچه ها با صدای بلند فریاد میکشیدند و وقتی که پیشمرگان در شهر هستند خود را آفتاب می کشید و یک نفر از آنان از مقرهایشان جرات بیرون آمدن را ندارند. و حال ایچه های ما را گرفته و احساس قهرمانی میکنند.

کردستان، کردستان پاینده باد عزمت، پیروز باد رزمت